**اظهارنظر عمومی شماره ۱۷ (۲۰۱۳)؛**

 **حق کودک به استراحت، فراغت، بازی و فعالیت‌های تفریحی، حیات فرهنگی و هنر (ماده ۳۱)**

**اول. مقدمه**

۱. سال‌هاست که جامعه بین‌المللی، اهمیت بازی و تفریح در زندگی هر کودک را تصدیق کرده است، همان‌گونه که در سال ۱۹۵۹ در اعلامیه حقوق کودک اعلام شد: «کودک باید از فرصت کامل برای بازی و تفریح برخوردار باشد [...]؛ جامعه و مقامات دولتی باید برای ارتقای بهره‌مندی از این حق، نهایت تلاش خود را بکار گیرند» (ماده ۷). بیانیه مزبور، بعدها در کنوانسیون حقوق کودک در سال ۱۹۸۹، تحکیم شد و در ماده ۳۱ کنوانسیون به‌صراحت بیان شد که «دولت‌های عضو، حق کودک به استراحت و فراغت، مشارکت در بازی و فعالیت‌های تفریحیِ مناسب با سن وی، و مشارکت آزادانه در حیات فرهنگی و هنر را به رسمیت می‌شناسد».

۲. بااین‌حال، بنا بر بررسی‌ها در خصوص اجرای حقوق کودک تحت کنوانسیون، کمیته به این نتیجه رسید که دولت‌ها از حقوق مندرج در ماده ۳۱، شناختی اندک دارند. شناخت ضعیف از مفهوم و اهمیت حقوقی که اثراتی چشمگیر بر زندگی کودکان دارند، منجر به عدم تدارک برای سرمایه‌گذاری‌های مناسب، فقدان یا ضعف در قانون‌گذاری‌های صیانت کننده، و غیبت کودکان در طرح‌ریزی‌های ملی و محلی می‌شود. به‌طور کل، هرجایی که سرمایه‌گذاری انجام می‌شود، در حقیقت، تدارک فعالیت‌هایی ساختاریافته و سازمان‌دهی شده است اما نیاز به ایجاد زمان و فضا برای کودکان نیز به همان اندازه مهم است تا علاوه بر اینکه کودکان بتوانند در خلاقیت‌ها، تفریحات و بازی‌های خودجوش شرکت کنند، نگرش‌های اجتماعیِ حمایت‌کننده و تشویق‌کننده به چنین فعالیت‌هایی نیز ترویج داده شوند.

۳. کمیته به‌طور خاص، دغدغه مشکلات و معضلاتی را دارد که گروه‌های خاصی از کودکان برای بهره‌مندی از برابری حقوق مندرج در ماده ۳۱، با آن‌ها مواجه می‌شوند؛ به‌ویژه دختران، کودکان قشر فقیر، کودکان دارای معلولیت، کودکان بومی و کودکان از گروه‌های اقلیت.

۴. افزون بر آن، تغییرات بنیادین و ژرفِ دنیای امروزی، اصلی‌ترین اثرات را بر فرصت‌های کودکانی می‌گذارد که به دنبال برخورداری از حقوق ماده ۳۱ هستند. جمعیت شهرنشین، به‌ویژه در کشورهای درحال‌توسعه، با سرعتی چشمگیر در حال افزایش است و با همان سرعت، خشونت در سراسر جهان و در همه اَشکال آن نیز –در خانه، مدرسه، رسانه‌های جمعی، خیابان. مفاهیم همراه با تجاری‌سازی مفاد بازی، بر شیوه مشارکت کودکان در تفریحات و فعالیت‌های فرهنگی و هنری اثر می‌گذارد. کار کودک، کار در منزل یا افزایش تقاضاهای تحصیلی برای بسیاری از کودکان، چه در کشورهای فقیر و چه غنی، موجب کاهش زمان کودکان برای برخورداری از حقوقشان می‌شود.

۵. اظهارنظر عمومیِ حاضر برای رسیدگی به دغدغه‌های مزبور، افزایش آشنایی، آگاهی و ادراک دولت‌ها نسبت به نقش مرکزی که حقوق مندرج در ماده ۳۱ در زندگی و پیشرفت هر کودک ایفا می‌کنند، تدوین‌شده است. اظهارنظر عمومیِ حاضر قویاً از دولت‌ها می‌خواهد که برای تضمین اجرای حقوق، اقدامات مقتضی را به‌تفصیل شرح دهند. حقوق ماده ۳۱، در سراسر جهان و در اجتماعات و جوامع گوناگون کاربرد دارد و به ارزش‌های همه سنت‌ها و گونه‌های فرهنگی احترام می‌گذارد. هر کودک باید قادر به بهره‌مندی از این حقوق باشد، فارغ از مکان زندگیِ کودک، پیشینه فرهنگی وی یا موقعیت والدینش.

۶. موضوع ورزش در اظهارنظر عمومی حاضر، بسیار مختصر بررسی می‌شود زیرا ورزش به‌تنهایی، موضوعی عمده و اصلی است. نظر به حیات فرهنگی، اظهارنظر عمومی در ابتدا بر جنبه‌های مرتبط با فعالیت‌های خلاقانه یا هنری و نه تعریف گسترده‌تری از ماده ۳۰ درباره حق کودک به برخورداری از فرهنگِ خود، تمرکز می‌کند.

**دوم. اهداف**

۷. اظهارنظر عمومی حاضر به دنبال افزایش درک اهمیت ماده ۳۱ در راستای رفاه و پیشرفت کودکان؛ تضمین احترام به و تحکیم اِعمال حقوق مندرج در ماده ۳۱، مانند سایر حقوق کنوانسیون؛ و برجسته‌سازی پیامدها است تا:

(الف) تعهدات متعاقب دولت‌ها برای تفصیل همه برنامه‌ها، استراتژی‌ها و اقدامات اجرایی، باهدف تحقق و اجرای کامل حقوق مطرح‌شده در ماده ۳۱، تعیین شوند؛

(ب) نقش و مسئولیت‌های بخش خصوصی تعیین شوند، ازجمله شرکت‌های فعال در حوزه‌های تفریحی، فعالیت‌های فرهنگی و هنری و همچنین سازمان‌های جامعه مدنی که چنین خدماتی را برای کودکان فراهم می‌کنند؛

(پ) دستورالعمل‌ها برای همه افرادی که با کودکان کار می‌کنند مانند والدین، در خصوص اتخاذ همه اقدامات در حوزه‌های بازی و تفریح، تعیین شوند.

**سوم. اهمیت ماده ۳۱ در زندگی کودکان**

۸. ماده ۳۱ باید به‌طور جامع فهمیده شود؛ یعنی هم در خصوص اجزای تشکیل‌دهنده آن و هم در خصوص ارتباط کلیِ آن با کنوانسیون. هر جزء از ماده ۳۱ متقابلاً به یکدیگر پیوند خورده و همدیگر را تقویت می‌کنند و در صورت تحقق، به غنی‌سازی زندگی کودکان کمک می‌کنند. همه اجزا در کنار هم، شرایطی را توصیف می‌کنند که برای صیانت از ماهیت منحصربه‌فرد و تکاملی دوران کودکی، ضروری هستند. تحقق ماده ۳۱، امری بنیادین برای افزایش کیفیت دوران کودکی، استحقاقِ کودکان به‌پیشرفت مطلوب، ارتقای بهبودپذیری و تحقق سایر حقوق است. درواقع، محیط‌هایی که برای بازی و تفریحِ همه کودکان ایجاد شده‌اند، شرایطی را برای خلاقیت خلق می‌کنند؛ از طریق بازی‌های خود-ساخته که موجب افزایش رشد مهارت‌ها، فعالیت‌های جسمانی و انگیزه می‌شوند، فرصت‌هایی را برای تمرین شایستگی خلق می‌کنند؛ شرایطی را برای مشارکت کامل کودکان در حیات فرهنگی فراهم می‌کنند که موجب افزایش تعاملات سرزنده و شاداب می‌شود؛ موقعیتی را برای استراحت فراهم می‌کنند که تضمین می‌کند کودکان از انرژی و انگیزه لازم برای مشارکت در بازی و مشارکت‌های خلاقانه برخوردار هستند.

۹. بازی و تفریح برای سلامت و رفاه کودکان حیاتی هستند و موجب افزایش در رشد خلاقیت، قوه تصور، اعتمادبه‌نفس، خود-بسندگی و مهارت‌ها و توانایی‌های جسمانی، اجتماعی، شناختی و عاطفی می‌شوند. بازی و تفریح همه وجوه یادگیری[[1]](#footnote-1) را بهبود می‌بخشند؛ آن‌ها شکلی از مشارکت در زندگی روزانه هستند و صرفاً به دلیل خوشی و لذتی که ایجاد می‌کنند، برای کودک، ارزش ذاتی دارند. تحقیقات نشان می‌دهند که بازی محرکی خودجوش برای رشد کودکان است و به‌ویژه در سال‌های ابتداییِ زندگی، نقشی چشمگیر و بااهمیت در رشد مغز ایفا می‌کند. بازی و تفریح موجب تسهیل رشد قابلیت‌های کودکان برای مذاکره، بازیابی تعادل عاطفی، حل مناقشات و تصمیم‌گیری‌ها می‌شود. از طریق مشارکت آن‌ها در بازی و تفریح، کودکان با انجام دادن کارها، یاد می‌گیرند؛ دنیای اطراف خود را کشف کرده و تجربه می‌کنند؛ ایده‌ها، نقشه‌ها و تجربیات جدید را آزمایش می‌کنند و بدین ترتیب، یاد می‌گیرند که جایگاه اجتماعی خود در دنیا را شناخته و بسازند.

۱۰. کودکان به‌تنهایی، همراه با همسالانشان یا همراه با بزرگ‌سالان حمایت‌کننده آن‌ها می‌توانند بازی و تفریح کنند. رشد کودکان می‌تواند از طریق بازی و توسط بزرگ‌سالان بامحبت و با مسئولیتی که به کودکان مرتبط هستند، حمایت شود. مشارکت بزرگ‌سالان در بازیِ کودکان، بینش و درکی منحصربه‌فرد از دیدگاه کودکان را به بزرگ‌سالان می‌دهد و همچنین احترام را در بین نسل‌ها جاری می‌سازد که منجر به درک و ارتباطی مؤثر میان کودکان و بزرگ‌سالان شده و فرصت‌هایی را برای ارائه راهنمایی و ایجاد تحرک، به وجود می‌آورد. کودکان از فعالیت‌های تفریحی که با مشارکت بزرگ‌سالان باشد، ازجمله مشارکت‌های داوطلبانه در ورزش‌ها، بازی‌ها و سایر فعالیت‌های تفریحیِ سازمان‌یافته نفع و بهره می‌برند. بااین‌حال، اگر کنترل بزرگ‌سالان آن‌قدر زیاد و نافذ باشد که موجب تضعیف تلاش‌های خودِ کودک برای مدیریت و اجرای بازی‌هایش شود، آنگاه منافع کودک از مشارکت بزرگ‌سالان، ویژه در رشدِ خلاقیت، رهبری و روحیه گروهی، به‌شدت کاهش می‌یابد.

۱۱. جزئی مهم برای ایجاد حس تعلقِ کودک، مشارکت وی در حیات فرهنگیِ یک اجتماع است. کودکان، حیات فرهنگی و هنریِ خانواده، اجتماع و جامعه خود را به ارث برده و تجربه می‌کنند و از طریق همین فرایند است که حس خود از هویت را کشف کرده و به‌مرور می‌سازند و نهایتاً به تحرک و پایداریِ حیات فرهنگی و هنرهای سنتی کمک می‌کنند.

۱۲. افزون بر آن، کودکان فرهنگ را در جشن‌ها، خیمه‌شب‌بازی‌ها، تئاترهای خیابانی، سرگرمی‌ها، نقاشی‌ها، داستان‌ها، پویانمایی‌ها، رقص‌ها، ترانه‌ها و بازی‌های خیالیِ خود تکرار، تغییر، خلق و منتقل می‌کنند. همراه با درک حیات فرهنگی و هنریِ محیط اطرافشان از طریق ارتباط با همسالان و بزرگ‌سالان، کودکان معنا و مفهوم حیات فرهنگی و هنری را نیز از طریق تجربیات نسل خود، تعبیر و تعدیل می‌کنند. کودکان با مشارکت همسالانشان زبان، سرگرمی، دنیاهای پنهانی، تخیلات عجیب‌وغریب و سایر دانش‌های فرهنگی را خلق و منتقل می‌کنند. بازی‌های کودکان، «فرهنگ دوران کودکی» را خلق می‌کنند؛ از سرگرمی‌ها و بازی در حیاط مدرسه گرفته تا فعالیت‌های شهری مانند تیله‌بازی، پرش آزاد از مانع، هنرهای خیابانی و غیره. همچنین، کودکان برای ایجاد ارتباط و شبکه‌های اجتماعی، پیشگامِ استفاده از بسترهای دیجیتالی و دنیای مجازی هستند که از طریق آن‌ها، محیط‌های فرهنگی و اَشکال هنریِ متفاوت ساخته می‌شوند. مشارکت کودکان در فعالیت‌های فرهنگی و هنری، امری ضروری است تا آن‌ها نه‌تنها نسبت به فرهنگ خودشان، بلکه نسبت به سایر فرهنگ‌ها نیز، درک و فهم پیدا کنند. بدین طریق، فرصتی برای کودکان فراهم می‌شود تا بتوانند افق دید خود را گسترده کرده و از سایر سنت‌های فرهنگی و هنری بیاموزند. پس، مشارکت کودکان در فعالیت‌های فرهنگی و هنری برای ارتقا و کمک به درک متقابل و ستایش گوناگونی نیز ضروری است.

۱۳. کلام آخر اینکه استراحت و فراغت به‌عنوان مبنایی برای قوت و تغذیه، اسکان، مراقبت بهداشتی و تحصیل، دو جزء مهم در رشد کودک هستند. اگر کودکان از استراحت کافی برخوردار نباشند، آنگاه از انرژی، انگیزه و ظرفیتِ جسمی و ذهنی برای مشارکت یا یادگیری هدفمند نیز برخوردار نخواهند بود. نفی استراحت، عواقب غیرقابل‌بازگشت جسمی و روانی بر رشد، سلامت و رفاه کودکان خواهد گذاشت. افزون بر آن، کودکان به فراغت نیز نیاز دارند. فراغت یعنی زمان و مکانی که در آن، هیچ‌گونه تعهد، سرگرمی یا محرکی وجود ندارد و افراد می‌توانند انتخاب کنند که فعالانه یا غیر فعالانه و باب میل خود، آن را پر کنند.

**چهارم. تحلیل حقوقیِ ماده ۳۱**

**الف. پاراگراف ۱ ماده ۳۱**

۱۴. دولت‌های عضو، حق کودکان را به رسمیت می‌شناسند؛ حق کودکان به:

(الف) **استراحت**: حق استراحت مستلزم آن است که کودکان پس از کار، آموزش یا هر امر پرتلاش دیگر، از فرجه‌های کافی برای استراحت برخوردار شوند تا سلامت و رفاه مطلوب آن‌ها تضمین شود. همچنین، حق استراحت مستلزم آن است که کودکان از خواب کافی نیز برخوردار شوند. در تحقق حق فرجه‌های استراحتِ پس از فعالیت و خواب کافی، باید به ظرفیت‌های تکاملی کودکان و نیازهای آن‌ها برای رشد توجه شود.

(ب) **فراغت**: فراغت به زمانی اشاره می‌کند که در آن، بازی یا تفریح انجام می‌شود. فراغت یعنی زمان آزاد یا بدون تعهد که در آن، هیچ شکلی از آموزش رسمی، اشتغال، وظایف خانه، انجام سایر کارها برای حفظ زندگی یا مشارکت در فعالیت‌هایی که خارج از حوزه فرد اداره می‌شوند، وجود نداشته باشد. به‌عبارت‌دیگر، فراغت، زمانی است که در آن، کودک از اختیار بالایی برای انتخاب و انجام آنچه می‌خواهد و تمایل دارد، برخوردار است.

(پ) **بازی**: بازیِ کودکان، هر شکلی از رفتار، فعالیت یا فرایند است که توسط خودِ کودکان آغاز شده، کنترل می‌شود و ساختار پیدا می‌کند و در هر زمان و هر مکان که فرصتی پیدا شود، روی می‌دهد. این امکان وجود دارد که مراقب‌ها در ایجاد محیط‌های بازی نقش داشته باشند اما خودِ بازی نباید اجباری باشد و محرک آن باید انگیزه درونی باشد و صرفاً به خاطر خودِ بازی کردن انجام شود نه به‌عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به هدف. بازی، تمرینِ خودمختاری، فعالیت جسمی، ذهنی یا عاطفی است و این توانایی را دارد که در بی‌نهایت شکل و گونه، خواه انفرادی خواه جمعی، انجام شود. اَشکال بازی می‌توانند در سراسر دوران کودکی تغییر کرده و تعدیل شوند. ویژگی‌های کلیدیِ بازی عبارت‌اند از: اسباب خوشی، بی‌ثبات، چالش‌برانگیز، منعطف و بی‌حاصل. همه عوامل مذکور در کنار هم به ایجاد لذتِ بازی و مشوق متعاقبِ آن برای ادامه بازی کمک می‌کنند. درحالی‌که، بازی غالباً غیرضروری شمرده می‌شود اما کمیته مجدداً تأکید می‌کند که بازی، بُعد بنیادین و حیاتی برای لذت از دوران کودکی است و همچنین جزء ضروری برای رشد جسمی، اجتماعی، شناختی، عاطفی و روحیِ کودک نیز هست.

(ت) **فعالیت‌های تفریحی**: تفریح، یک اصطلاح چتری است که برای توصیف دامنه گسترده‌ای از فعالیت‌ها استفاده می‌شود مانند مشارکت در موسیقی، هنر، صنعت گری، همکاری با اجتماعات، باشگاه‌ها، ورزش‌ها، سرگرمی‌ها، پیاده گردی و چادرزنی، کارهای ذوقی و غیره. تفریح شامل فعالیت‌ها یا تجربیاتی می‌شود که کودک با اراده خود انتخاب کرده است، خواه به خاطر کسب رضایت آنی خواه به خاطر کسب برخی ارزش‌های فردی یا اجتماعی که می‌پندارد با انجام تفریح مزبور به دست خواهد آورد. تفریح غالباً در مکان‌هایی انجام می‌شوند که صرفاً خاصِ فعالیت‌های تفریحی طراحی‌شده‌اند. اگرچه ممکن است بسیاری از فعالیت‌های تفریحی توسط بزرگ‌سالان سازمان‌دهی و مدیریت شوند اما تفریح باید فعالیتی داوطلبانه باشد. سرگرمی‌های و ورزش‌های اجباری یا الزامی یا مشارکت اجباری در مثلاً سازمان‌های جوانان، تفریح محسوب نمی‌شوند.

(ث) **مناسب با سن کودک**: ماده ۳۱ بر اهمیت فعالیت‌های مناسب با سن کودک تأکید می‌کند. نظر به بازی و تفریح، سن کودک باید برای تعیین مقدار زمان؛ ماهیت مکان‌ها و محیط‌های موجود؛ انواع محرک‌ها و تنوع‌ها؛ میزان الزام نظارت و مشارکت بزرگ‌سالان باهدف تضمین ایمنی و امنیت در نظر گرفته شود. هر چه که کودکان بزرگ‌تر می‌شوند، نیازها و خواسته‌های آن‌ها نیز تکامل می‌یابد؛ از موقعیت‌هایی که فرصت بازی را فراهم می‌کنند تا مکان‌هایی که فرصت اجتماعی شدن را در اختیار قرار می‌دهند، با یا بدون همسالان. بعلاوه، آن‌ها تدریجاً فرصت‌های پرخطر و چالش‌برانگیز بیشتری را کشف می‌کنند. چنین تجربیاتی برای رشد نوجوانان ضروری هستند و به آن‌ها برای کشف هویت و تعلقاتشان کمک می‌کنند.

(ج) **حیات فرهنگی و هنری**: کمیته حمایت خود را از دیدگاهی اعلام می‌کند که برمبنای آن، کودکان و جوامعِ آن‌ها از طریق حیات فرهنگی و هنر، هویتِ یگانه خود و معنایی را که به وجود خود می‌بخشند، ابراز می‌کنند و جهان‌بینی خود را، که نمایانگر رویاروییِ آن‌ها با نیروهای بیرونیِ مؤثر بر زندگی‌شان است، شکل می‌دهند.[[2]](#footnote-2) بیان فرهنگی و هنری در خانه، مدرسه، خیابان‌ها و مکانه‌ای عمومی از طریق رقص، جشن، صنعت گری، مراسمات، آیین‌های مذهبی، تئاتر، ادبیات، موسیقی، سینما، نمایشگاه‌ها، فیلم‌ها، بسترهای دیجیتالی و ویدیو صراحتاً بیان می‌شود. فرهنگ، به‌عنوان یک کل، از اجتماع حاصل می‌شود؛ دسترسی به خلق و منافعِ آن، نباید از هیچ کودکی دریغ شود. حیات فرهنگی از درون فرهنگ و اجتماع، و نه با اِعمال زور از بالا، و همراه با ایفای نقش دولت‌ها به‌عنوان تسهیل‌کننده، و نه عرضه‌کننده، ظهور می‌کند.[[3]](#footnote-3)

(چ) **مشارکت آزادانه**: حق کودکان به مشارکت آزادانه در حیات فرهنگی و هنر، دولت‌ها را، بنا بر تعهدشان به تضمین صیانت از کودک و ارتقای عالی‌ترین منافع وی، ملزم می‌سازد که به دسترسی کودکان و انتخاب آن‌ها برای مشارکت در فعالیت‌های مزبور احترام گذاشته و از دخالت در آن خودداری کنند. دولت‌های عضو باید تضمین کنند که دیگران نیز، مانع از تحقق حق مذکور نمی‌شوند. تصمیم کودکان به اِعمال یا عدم اِعمال این حق، بسته به انتخاب خودشان دارد و این دقیقاً بدین معناست که انتخاب کودک باید به رسمیت شناخته‌شده، مورداحترام قرار گیرد و صیانت شود.

**ب. پاراگراف ۲ ماده ۳۱**

۱۵. دولت‌های عضو باید به‌حق کودک احترام گذاشته و آن را ترویج دهند؛ حق کودک به:

(الف) **مشارکت کامل در حیات فرهنگی و هنری**: حق مشارکت کامل از سه بُعد تشکیل‌شده است که با یکدیگر در تعامل هستند و متقابلاً یکدیگر را تقویت و نیرومند می‌کنند:

**(۱) دسترسی** ایجاب می‌کند که کودکان از فرصت‌هایی برای تجربه حیات فرهنگی و هنری برخوردار شوند و درباره دامنه وسیعی از اَشکال گوناگون بیان و ابراز بیاموزند؛

**(۲) مشارکت** مستلزم آن است که فرصت‌های واقعی و عملی برای کودکان، چه فردی و چه گروهی، تضمین شود تا آن‌ها بتوانند باهدف رشد کامل شخصیتشان، آزادانه خود را ابراز کنند، ارتباط برقرار کنند، اقدام کنند و در فعالیت‌های خلاقانه مشارکت کنند؛

**(۳) کمک به حیات فرهنگی** شامل حق کودکان به کمک در بیان و ابراز معنوی، مادی، عقلایی و عاطفیِ فرهنگ و هنر می‌شود، ازاین‌رو رشد و دگرگونی جامعه‌ای را که بدان تعلق دارند، تحقق بخشیده و به‌پیش می‌رانند.

(ب) **تشویقِ ایجاد فرصت‌های مناسب**: اگرچه ملزومات برای تشویق ایجاد فرصت‌های مناسب فقط فعالیت‌های فرهنگی، هنری تفریحی و فراغت را ذکر کرده اما کمیته، پیرو ماده ۴ کنوانسیون، بازی را نیز در آن گنجانده است. ازاین‌رو، دولت‌های عضو باید پیش‌شرط‌های لازم و مناسب را برای مشارکت تضمین کنند تا ایجاد فرصت برای تحقق حقوق ماده ۳۱، تسهیل شده و افزایش یابد. کودکان تنها در صورتی می‌توانند حقوق خود را تحقق بخشند که قانون‌گذاری‌ها، سیاست‌ها، بودجه باندی‌ها، چارچوب‌های زیست‌محیطی و خدماتی آماده به‌کارگیری باشند.

(پ) **ایجاد فرصت‌های برابر**:تک‌تک کودکان برای بهره‌مندی از حقوقشان تحت ماده ۳۱، باید از فرصت‌های برابر برخوردار باشند.

**پنجم. ماده ۳۱ در بستر گسترده‌تر کنوانسیون**

**الف. ارتباط با اصول کلی کنوانسیون**

**۱۶. ماده ۲ (عدم تبعیض)**: کمیته تأکید می‌کند که دولت‌های عضو باید همه اقدامات مقتضی را اتخاذ کند تا اطمینان دهند که همه کودکان از فرصت تحقق حقوق خود تحت ماده ۳۱، بدون مواجه با هیچ شکلی از تبعیض فارغ از تولد، معلولیت، دارایی، نسب ملیت، قومیت یا وضعیت اجتماعی، عقاید سیاسی یا سایر عقاید، مذهب، زبان، جنس، رنگ، نژاد یا سایر ویژگی‌های کودک، والدین یا قیم قانونیِ وی، از فرصت تحقق حقوق خود تحت ماده ۳۱ برخوردار هستند. بررسی و رسیدگی به حقوق گروه‌هایی خاص از کودکان نیازمند توجهی خاص و ویژه هست؛ گروه‌هایی مانند دختران، کودکان دارای معلولیت، کودکانی که در محیط‌های فلاکت‌زده یا مخاطره‌آمیز، در شرایط فقر، در مراکز کیفری، مراقبت از سلامت یا اقامتی، در شرایط درگیری و مناقشات یا فجایع انسانی و در جوامع روستایی به سر می‌برند، کودکان متقاضیِ پناهندگی و پناه‌جو، کودکان خیابانی، کودکان عشایر و چادرنشین، کودکان مهاجر یا آواره داخلی، کودکان با نسب بومی و متعلق به گروه‌های اقلیت، کودکانِ کار، کودکان بی والد و کودکانی که برای کسب تحصیلات دانشگاهی، تحت‌فشار زیاد قرار دارند.

**۱۷. ماده ۳ (عالی‌ترین منافع کودک)**: کمیته تأکید می‌کند که در تعریف، تحقق حقوق کودکان تحت ماده ۳۱ در راستای عالی‌ترین منافع کودک است. تعهد به لحاظ عالی‌ترین منافع کودک، در مورد همه کودکان، خواه به‌عنوان یک فرد، خواه یک گروه یا افراد یک حوزه انتخابیه، صدق می‌کند. همه اقدامات قانون‌گذاری، سیاستی و بودجه‌بندی و همچنین اقدامات مرتبط با تدارکات زیست‌محیطی یا خدماتی، که احتمالاً بر حقوق مندرج در ماده ۳۱ اثر می‌گذارند، باید عالی‌ترین منافع کودک را لحاظ کرده و موردتوجه قرار دهند. این امر بر برخی مقررات اِعمال می‌شود، مانند: مقررات مرتبط با بهداشت و ایمنی، امحای پسماندها و زباله‌های جامد، طرح‌ریزی برای اقامت و حمل‌ونقل، طراحی و دسترسی‌پذیری مناظر شهری، ایجاد پارک‌ها و دیگر فضاهای سبز، تعیین ساعات مدارس، وضع قوانین مرتبط با کودکان کار و تحصیل، طرح‌ریزی درخواست‌ها یا وضع قوانین حکم کننده بر حریم خصوصی در اینترنت و سایر قوانین.

**۱۸. ماده ۶ (حیات، بقا و رشد)**: دولت‌های عضو باید تا سر حد امکان، حیات، بقا و رشد کودک را تضمین کنند. در این خصوص کمیته، توجهات را به نیاز به رسمیت شناسیِ ارزش‌های مثبت تک‌تک ابعادِ ماده ۳۱ در ارتقای رشد و ظرفیت‌های تکاملیِ کودکان، جلب می‌کند. این امر مستلزم آن است که اقدامات لازم برای اجرای ماده ۳۱ که منطبق با نیازهای رشدی کودک در تمام سنین باشد، ارائه شوند. دولت‌های عضو باید آگاهی و فهمِ شرکا، مراقب‌ها، مقاماتِ حکومتی و همه متخصصانی که با کودکان و برای آن‌ها کار می‌کنند را نسبت به اهمیت و مرکزیتِ بازی در رشد کودکان افزایش دهند.

**۱۹. ماده ۱۲ (حق شنیده شدن)**: کودکان، خواه به‌عنوان فرد خواه در گروه، حق ابراز دیدگاه درباره همه مسائل مرتبط با خود را دارند. دیدگاه‌های مذکور باید بنا بر سن و بلوغ کودکان موردتوجه قرار گیرند و در صورت لزوم، کودکان باید برای ابراز دیدگاه‌هایشان، حمایت کافی دریافت کنند. کودکان حق دارند که قدرت انتخاب و خودمختاری را به هنگام بازی و فعالیت‌های تفریحیِ خود و همچنین مشارکت در فعالیت‌های فرهنگی و هنری، اِعمال کنند. در راستای تضمین اجرای حقوق مندرج در ماده ۳۱، کمیته تأکید می‌کند که ایجاد فرصت برای همکاریِ کودکان در گسترشِ قانون‌گذاری، سیاست‌ها، استراتژی‌ها و طراحی خدمات، از اهمیت والایی برخوردار است. چنین همکاری می‌تواند شامل مشارکت کودکان مثلاً در مذاکرات باشد؛ مذاکرات درباره سیاست‌های مرتبط با بازی و تفریح، درباره وضع قوانینی که بر حقوق آموزشی و سازمان‌دهی و برنامه تحصیلیِ مدارس یا قوانین صیانتیِ مرتبط با کودکان کار اثر می‌گذارند، درباره توسعه پارک‌ها و سایر امکانات محلی، درباره طرح‌ریزی و طراحی جوامع و محیط‌های دوستدار کودک. بازخورد موارد مزبور را می‌توان در فرصت‌هایی یافت که برای بازی یا تفریح و فعالیت‌های فرهنگی در مدارس و اجتماعات بزرگ‌تر فراهم‌شده‌اند.[[4]](#footnote-4)

ب. ارتباط با سایر حقوق مربوطه

**۲۰. ماده ۱۳**: حق آزادی بیان، اساسِ حق مشارکت آزادانه در فعالیت‌های فرهنگی و هنری است. کودکان حق دارند که به شیوه انتخابیِ خودشان، خود را ابراز کنند و اِعمال محدودیت فقط در صورت تعریف در قانون و در صورت لزوم جهت تضمین احترام به حقوق و اعتبار دیگران و جهت تأمین امنیت ملی، نظم عمومی و بهداشت و اخلاقیات عمومی مجاز است.

**۲۱. ماده ۱۵**: کودکان از حق اِعمال انتخاب در روابط دوستانه خود و عضویت در سازمان‌های اجتماعی، فرهنگی، ورزشی و غیره برخوردار هستند. ازآنجایی‌که کودکان در کنار هم انواع بازی‌های خیالی را خلق می‌کنند که به‌ندرت در روابط برزگسالان با کودک به چشم می‌خورد، پس آزادی انجمن‌ها نمایانگر بُعدِ جدایی‌ناپذیر حقوق کودکان تحت ماده ۳۱ است. کودکان نیاز دارند تا با همسالانِ خود از هر دو جنس، افراد دارای توانایی‌های متفاوت و افراد از طبقات و فرهنگ‌ها و با سنین مختلف مشارکت کرده تا همکاری، بردباری، به اشتراک‌گذاری و کاردانی را بیاموزند. بازی و تفریح، فرصت‌هایی را برای ایجاد روابط دوستانه خلق می‌کنند و می‌توانند نقشی کلیدی در تقویت جامعه مدنی، ایجاد همکاری برای رشد اجتماعی، اخلاقی و عاطفیِ کودک، شکل‌دهی به فرهنگ و تشکیل اجتماعات ایفا می‌کنند. دولت‌های عضو باید فرصت‌ها را فراهم سازند تا کودکان بتوانند در سطح اجتماع، آزادانه با همسالان خود ملاقات کنند. دولت‌ها باید به‌حق کودکان به ایجاد، پیوستن و ترک انجمن‌ها و حق آن‌ها به مجمع‌های صلح‌آمیز احترام گذاشته و حقوق مذکور را حمایت کنند. بااین‌حال، کودکان هرگز نباید مجبور و ملزم به مشارکت در یا پیوستن به سازمان‌ها شوند.

**۲۲. ماده ۱۷**: کودکان مستحق اطلاعات و مطالبی هستند که نفع اجتماعی و فرهنگی دارند و از تنوع در منابع اجتماع، ملی و بین‌المللی حاصل می‌شوند. دسترسی به چنین اطلاعات و مطالب برای تحقق حق مشارکت کامل در فعالیت‌های فرهنگی و هنری، حیاتی هست. دولت‌های عضو تشویق می‌شوند تا تضمین کنند که اطلاعات و مطالبِ مرتبط با فرهنگ کودک و سایر فرهنگ‌ها، با گسترده‌ترین دسترسیِ ممکن و از طریق رسانه‌های مختلف به زبانی قابل‌فهم برای کودک، مانند زبان اشاره و بریل، در اختیار وی قرار می‌گیرند. در این راستا، جواز موارد استثنا در قوانین کپی‌رایت برای تضمین فراهم‌سازی مطالب چاپی در قالب‌های جایگزین نیز مورداستفاده قرار می‌گیرد. بدین ترتیب، مراقبت باید برای حفظ و صیانت از تنوع فرهنگی و پرهیز از کلیشه‌های فرهنگی انجام شود.

**۲۳. ماده ۲۲:** کودکان پناه‌جو و متقاضی پناهندگی برای تحقق حقوق خود تحت ماده ۳۱، با چالش‌های اساسی و ژرف روبه‌رو می‌شوند زیرا آن‌ها غالباً هم جدایی از سنت‌ها و فرهنگ خود و هم طردشدگی از فرهنگ کشور میزبان را تجربه می‌کنند. برای بهره‌مندی کودکان پناه‌جو و متقاضی پناهندگی حقوق مندرج در ماده ۳۱ باید تضمین شود که آن‌ها از فرصت‌های برابر با کودکان کشور میزبان برخوردار هستند و در این راستا از هیچ تلاشی نباید فروگذار کرد. برای حق کودکان پناه‌جو به حفظ و اِعمال سنت‌های هنری، فرهنگی و تفریحیِ خودشان لازم است که شناخت حاصل شود.

**۲۴. ماده ۲۳**: محیط‌ها و امکانات قابل‌دسترس و فراگیر باید برای کودکان دارای معلولیت فراهم شوند[[5]](#footnote-5) تا آن‌ها نیز بتوانند از حقوق مندرج در ماده ۳۱ بهره‌مند شوند. خانواده‌ها، مراقب‌ها و متخصصان باید ارزش بازی را هم به‌عنوان یک حق و هم به‌عنوان وسیله‌ای برای حصول رشد مطلوبِ کودکان دارای معلولیت، به رسمیت بشناسند. دولت‌های عضو باید از طریق افزایش آگاهی در میان بزرگ‌سالان و همسالان و فراهم‌سازی حمایت‌ها یا کمک‌های مناسب با سن، فرصت‌هایی را برای کودکان دارای معلولیت به‌عنوان مشارکت‌کننده‌هایی برابر و فعال در بازی، تفریحات و حیات هنری و فرهنگی، ایجاد کنند.

**۲۵. ماده ۲۴**: تحقق حقوق مندرج در ماده ۳۱، نه‌تنها به بهداشت، رفاه و رشد کودکان کمک می‌کند بلکه شرایطی مناسب را برای کودکان فراهم می‌کنند تا بتوانند در زمان بیماری و/یا بستری، از نقش مهمی که حقوق مندرج در ماده ۳۱ برای تسهیل بهبود آن‌ها ایفا می‌کنند، بهره‌مند شوند.

**۲۶. ماده ۲۷**: استانداردهای ناکافی زندگی، شرایط فاقد امنیت و پرازدحام، محیط‌های ناامن و غیربهداشتی، خوراک ناکافی، کار اجباریِ آسیب‌زننده یا استثماری، همگی می‌توانند کودکان را برای بهره‌مندی از حقوقشان تحت ماده ۳۱، محدود کرده یا کودکان را از آن دریغ کنند. به هنگام برقراری سیاست‌های مرتبط با حمایت‌های اجتماعی، استخدام، مسکن و دسترسی به مکانه‌ای عمومی برای کودکان، به‌ویژه آن‌هایی که در خانه‌های خود از فرصت بازی و تفریح بی‌بهره‌اند، از دولت‌های عضو خواسته می‌شود تا پیامدهای مزبور بر کودکان را تحت ماده ۳۱ لحاظ کنند.

**۲۷. ماده ۲۸ و ۲۹**: آموزش باید مستقیماً برای رشد شخصیت، استعدادها و توانایی‌های ذهنی و جسمانیِ کودک، تا شکوفایی تمام توانایی‌های بالقوه، باشد. اجرای حقوق تحت ماده ۳۱ برای حصول اجابت حقوق مندرج در ماده ۲۹ ضروری است. کودکان به فرصت‌هایی برای پیشرفت هنری و فرهنگی و مشارکت در ورزش‌ها و سرگرمی‌ها نیاز دارند تا توانایی‌های بالقوه آن‌ها به حداکثر برسد. کمیته تأکید می‌کند که حقوق مندرج در ماده ۳۱ برای رشد کودکان یقیناً مفید و سودمند است؛ آموزش فراگیر و بازی فراگیر متقابلاً به یکدیگر قوت بخشیده و باید از طریق مراقبت و آموزشِ دوران کودکی (پیش‌دبستانی)، دبستان و دبیرستان، در جریان هرروز تسهیل شوند. اگرچه بازی برای همه کودکان در همه سنین، مناسب و ضروری است اما در سال‌های ابتداییِ حضور در مدرسه از اهمیت والا و ویژه‌ای برخوردار است. تحقیقات نشان داده است که بازی، روشی مهم است تا از طریق آن، کودکان بیاموزند و یاد بگیرند.

**۲۸. ماده ۳۰**: کودکانی که متعلق به اقلیت‌های نژادی، مذهبی یا زبانی هستند باید برای پیوستن و مشارکت در فرهنگ‌های خودشان تشویق و ترغیب شوند. دولت‌ها باید به ویژگی‌های خاصِ فرهنگیِ کودکانِ جوامع اقلیت و کودکان با نسب بومی احترام بگذارند و تضمین کنند که کودکان مزبور برای مشارکت در آن دسته از فعالیت‌های هنری و فرهنگی که نمایانگرِ زبان، مذهب و فرهنگشان هستند، از حقوق برابر با کودکانِ جوامع اکثریت برخوردار هستند.

**۲۹. ماده ۳۲**: کمیته متذکر می‌شود در بسیاری از کشورها، کودکان در کارهای طاقت‌فرسا اشتغال دارند که حقوق مندرج در ماده ۳۱ را از آن‌ها دریغ می‌کند. افزون بر آن، میلیون‌ها کودک در طول دوران کودکی خود به‌عنوان کارگرِ خانگی یا در مشاغل غیر خطرناک همراه با خانواده‌هایشان مشغول به کار هستند درحالی‌که از تحصیل یا آموزش کافی و مناسب برخوردار نیستند. برای صیانت از همه کارگرانِ کودک در برابر موقعیت‌هایی که حقوقشان را تحت ماده ۳۱ نقض می‌کنند، دولت‌ها باید همه اقدامات مقتضی را اتخاذ کنند.

**۳۰. مواد ۱۹، ۳۴، ۳۷ و ۳۸**: خشونت، استثمار جنسی، سلب آزادی با به‌کارگیری روش‌های خلاف قانون یا خودسرانه و خدمت اجباری در درگیری‌های مسلحانه موجب تحمیل موقعیتی می‌شوند که از توانایی‌های کودکان به بهره‌مندی از بازی، تفریح و مشارکت در حیات فرهنگی و هنر، به‌شدت ممانعت کرده یا حتی توانایی‌های مزبور را کاملاً از بین می‌برند. زورگویی و قلدری توسط سایر کودکان نیز می‌تواند مانعی عمده و اصلی برای بهره‌مندی از حقوق مندرج در ماده ۳۱ باشد. حقوق مزبور تنها در صورتی محقق می‌شوند که دولت‌های عضو، همه اقدامات ضروری را برای صیانت از کودکان در برابر چنین اقداماتی اتخاذ کنند.

**۳۱. ماده ۳۹**: دولت‌های عضو باید تضمین کنند کودکانی که اِهمال، استثمار، سوءاستفاده یا سایر گونه‌های خشونت را تجربه کرده‌اند، از حمایت‌ها برای بهبود و ادغام مجدد برخوردار هستند. تجربیات کودکان، مانند تجربه‌های دردناک و مخرب، می‌توانند از طریق بازی یا بیان هنری منتقل شوند. فرصت‌ها برای تحقق حقوق مندرج در ماده ۳۱ می‌توانند روش‌هایی ارزشمند را برقرار سازند تا از طریق آن‌ها، کودکان بتوانند تجربیات دشوار یا تروماتیکِ خود را ابراز کنند و درنتیجه گذشته خود را درک کرده و آینده خود را بهتر مدیریت کنند. بازی و بیان هنری، کودکان را قادر می‌سازد که احساسات و افکار خود را بهتر درک کرده و انتقال دهند، از چالش‌های روانی جلوگیری یا آن‌ها را حل کنند و مدیریت روابط و مناقشات را از طریق فرایندی طبیعی، خود-راهنما و خود-ترمیمی یاد می‌گیرند.

**ششم. ایجاد بستر برای تحقق ماده ۳۱**

**الف. عوامل محیط مطلوب**

۳۲. کودکان، اصراری خودجوش به بازی و مشارکت در فعالیت‌های تفریحی دارند و به دنبال فرصت‌هایی برای انجام آن‌ها در نامساعدترین محیط‌ها هستند. بااین‌حال، بنا بر ظرفیت‌های تکاملی کودکان و برای تحقق حقوقشان تحت ماده ۳۱ تا حد مطلوب، برخی شرایط معین باید تضمین شوند. بدین ترتیب، کودکان باید:

* از استرس رها باشند؛
* از محرومیت اجتماعی، پیش‌داوری یا تبعیض رها باشند؛
* از محیطی ایمن در برابر آسیب یا خشونت اجتماعی برخوردار باشند؛
* از محیطی که به‌کفایت فاقد زباله، آلودگی، ترافیک و سایر مخاطرات جسمانی است، برخوردار باشند تا بتوانند آزادانه و همراه با امنیت، در محله خود گردش کنند؛
* از استراحت، مناسب با سن و رشدشان برخوردار باشند؛
* از اوقات فراغت برخوردار و رها از خواسته‌های دیگران باشند؛
* از زمان و مکان قابل‌دسترس برای بازی، برخوردار و رها از کنترل و مدیریت بزرگ‌سالان باشند؛
* از مکان و فرصت برای بازی در فضاهای باز در محیط‌های فیزیکیِ چالش‌برانگیز و متنوع، و در صورت لزوم، همراه با دسترسی آسان به بزرگ‌سالان حمایت‌کننده، برخوردار باشند؛
* از فرصتِ تجربه، تعامل و بازی در محیط‌های طبیعی و دنیای حیوانات برخوردار باشند؛
* از فرصت سرمایه‌گذاری در مکان و زمان خودشان برخوردار باشند تا بتوانند به‌کارگیری تخیلات و زبان خود، دنیای خود را خلق و دگرگون کنند؛
* از فرصت کشف و درک میراث فرهنگی و هنریِ اجتماع خود، مشارکت در آن، خلق آن و شکل‌دهی به آن برخوردار باشند؛
* از فرصت مشارکت با سایر کودکان در سرگرمی‌ها، ورزش‌ها و سایر فعالیت‌های تفریحی، که در صورت لزوم توسط تسهیل گران یا مربیان آموزش‌دیده حمایت می‌شوند، برخوردار باشند؛
* از به رسمیت شناسیِ ارزش و مشروعیتِ حقوق مندرج در ماده ۳۱ توسط والدین، معلم‌ها و جامعه برخوردار باشند.

ب. بررسی چالش‌های تحقق ماده ۳۱

**۳۳. عدم به رسمیت شناسیِ اهمیتِ بازی و تفریح**: در بسیاری از نقاط دنیا، بازی به‌مثابه «کَسرِ» زمان است که به فعالیت‌های سَرسری یا بی‌بهره فاقد ارزش ذاتی، سپری می‌شود. والدین، مراقب‌ها و مدیران دولتی عموماً برای مطالعه یا کار اقتصادی، اولویت بالاتری نسبت به بازی، که غالباً پرسروصدا، کثیف، مخل و مزاحم است، قائل هستند. افزون بر آن، بزرگ‌سالان غالباً فاقد محرمیت، مهارت و درک برای حمایت از بازی کودکان و تعامل بازیگوشانه با آن‌ها هستند. هم حق کودکان به مشارکت در بازی و تفریح و هم اهمیتِ بنیادینِ فعالیت‌های مزبور در رفاه، سلامت و رشد آن‌ها، بسیار اندک درک شده و بسیار ضعیف، ارزش‌گذاری شده‌اند. در صورت به رسمیت شناسی بازی، غالباً بازیِ فعالانه جسمی و سرگرمی‌های رقابتی (ورزش) شناخته می‌شود که بیش از، مثلاً، درامای اجتماعی یا قوه تخیل ارزش‌گذاری می‌شوند. کمیته تأکید می‌کند که به رسمیت شناسیِ عالی‌تر از گونه‌ها و موقعیت‌های بازی و تفریح که توسط کودکان بزرگ‌تر موردپسند واقع شده‌اند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. نوجوانان غالباً به دنبال مکان‌هایی هستند که با همسالانِ خود ملاقات کرده و استقلال در حال ظهورِ خود و گذار از دوره نوجوانی به بزرگ‌سالی را کشف کنند. این بُعد، از اهمیت والایی در رشد حس هویت و تعلق آن‌ها برخوردار است.

**۳۴. محیط‌های ناامن و پرخطر**: ویژگی‌های محیط، که حقوق مندرج در ماده ۳۱ را تحت تأثیر قرار می‌دهند، می‌توانند به‌عنوان عوامل حفاظتی یا خطر برای بهداشت، رشد و ایمنیِ کودک باشند. مکان‌هایی که فرصت کشف و خلاقیت را فراهم می‌سازند باید نظارتِ والدین و مراقب‌ها بر کودکان کوچک‌تر را میسر سازند مثلاً از طریق ارتباط چشمی و کلامی. کودکان نیاز دارند که به مکانه‌ای فراگیرِ بدون مخاطره و نزدیک به خانه‌هایشان، توأم با اقدامات مقتضی جهت ارتقای پویایی‌ها و جنبش‌های ایمن و مستقل هم‌زمان با تکامل و رشد قابلیت‌هایشان، دسترسی داشته باشند.

۳۵. اکثریتِ فقیرترین کودکانِ جهان با مخاطرات فیزیکی مواجه می‌شوند مانند آب آلوده؛ شبکه باز فاضلاب؛ شهرهای پرجمعیت؛ ترافیک غیرقابل‌کنترل؛ روشنایی معابر و خیابان‌های پرازدحام؛ حمل‌ونقل عمومیِ ناکافی؛ فقدان نواحیِ امنِ محلی برای بازی؛ فضاهای سبز و امکانات فرهنگی؛ زاغه‌نشینی شهریِ غیررسمی در محیط‌های پرمخاطره، خشونت‌آمیز یا مسموم. پس از درگیری‌ها و مناقشات، این امکان وجود دارد که میادین مین و مهمات منفجرنشده به کودکان آسیب برسانند. درواقع، کودکان در معرض خطراتی خاص و ویژه هستند زیرا ماهیت کنجکاو و بازی‌های اکتشافیِ آن‌ها موجب افزایش احتمال موقعیت‌های خطر می‌شود و افزون بر آن، اثرات انفجار بر کودکان بسیار بیشتر است.

۳۶. عوامل انسانی نیز می‌توانند کودکان را در محیط‌های عمومی، در معرض خطر قرار دهند: سطح بالای جنایت و خشونت؛ ناآرامی‌های اجتماعی و ستیزهای مدنی؛ خشونت‌های باندهای خلاف و مواد مخدر؛ خطر کودک ربایی و قاچاق کودکان؛ مکانه‌ای باز با غلبه و سلطه جوانان و بزرگ‌سالان خشن و ستیزه خو؛ تهاجم و خشونت جنسی نسبت به دختران. حتی ممکن است که پارک، زمین‌های بازی، امکانات ورزشی و سایر تدارکات نیز غالباً در نقاطی باشند که کودکان را در معرض خطر، مخاطرات و عدم نظارت قرار می‌دهند. خطراتی که از طریق چنین عواملی به وجود می‌آیند، فرصت بازی و تفریح ایمن را برای کودکان به‌شدت محدود می‌کنند. فرسایش فزاینده بسیاری از مکان‌ها که به‌طور سنتی در اختیار کودکان قرار داشته‌اند، مستلزم مداخلات بیشتر حکومت برای صیانت از حقوق مندرج در ماده ۳۱ است.

**۳۷. مقاومت در برابر استفاده کودکان از مکانه‌ای عمومی**: تجاری‌سازی فزاینده مکانه‌ای عمومی که در آن‌ها، کودکان استثنا می‌شوند، مانعی برای استفاده آن‌ها از مکانه‌ای عمومی جهت بازی، تفریح و فعالیت‌های فرهنگی‌شان هست. افزون بر آن، تحمل و تاب‌آوری نسبت به حضور کودکان در مکانه‌ای عمومی، در بسیاری از نقاط جهان رو به کاهش است. برای مثال، مقررات منع رفت‌وآمد برای کودکان؛ اجتماعات یا پارک‌های محصور؛ کاهش تحملِ سطح صدا؛ زمین‌های بازی با مقررات سختگیرانه جهت رفتارهای بازیِ «قابل‌قبول»؛ محدودیت در دسترسی به مراکز خرید موجب ایجاد این پندار می‌شود که کودکان «دردسر» و/یا خاطی هستند. پنداری گسترده از سوی پوشش‌ها و نمایش‌های گسترده و منفیِ رسانه‌ای، به‌طور خاص، نسبت به نوجوانان وجود دارد مبنی بر اینکه نوجوانان تهدید هستند و آن‌ها را از استفاده از مکانه‌ای عمومی دلسرد می‌کنند.

۳۸. محرومیت کودکان، عواقبی چشمگیر بر رشد آن‌ها به‌عنوان شهروند می‌گذارد. تجربیات مشترکِ گروه‌های سنی متفاوت از مکانه‌ای عمومیِ فراگیر، موجب ترقی و تقویت جامعه مدنی می‌شود و کودکان را تشویق و ترغیب می‌کند تا خود را به‌عنوان شهروندانِ صاحب حقوق، به رسمیت بشناسند. دولت‌ها تشویق و ترغیب می‌شوند تا گفت‌وگوهای میان نسل‌های جوان‌تر و قدیمی‌تر را ترویج دهند با این هدف که به رسمیت شناسیِ کودکان به‌عنوان صاحبان حق و همچنین، به رسمیت شناسیِ اهمیت شبکه‌هایی از مکانه‌ای متنوعِ اجتماعی در مناطق محلی یا وابسته به شهرداری که می‌توانند بازی و نیازهای تفریحیِ همه کودکان را فراهم کنند، در گستره‌ای وسیع‌تر به‌پیش برده شود.

**۳۹. برقراری تعادل در ریسک و ایمنی**: ترس‌هایی که نسبت به خطرات فیزیکی و انسانی وجود دارد و کودک در محیط محلی خود با آن‌ها روبه‌رو می‌شود، در برخی نقاط جهان منجر به افزایش سطح نظارت و سرپرستی و ایجاد محدودیت‌های متعاقب نسبت به آزادی کودکان برای بازی و فرصتِ تفریح می‌شود. افزون بر آن، خودِ کودکان نیز می‌توانند به هنگام بازی و فعالیت‌های تفریحی، سایر کودکان را تهدید کنند، مثلاً از طریق زورگویی، سوءاستفاده از کودکان کوچک‌تر توسط کودکان بزرگ‌تر و فشار گروه‌ها برای مشارکت آن‌ها در کارها با ریسک‌پذیری بالا. درحالی‌که کودکان نباید برای تحقق حقوقشان تحت ماده ۳۱، در معرض آسیب قرار بگیرند اما میزانی از خطر و چالش در ذات بازی و فعالیت‌های تفریحی وجود دارد که جزئی ضروری از مزایا و فوایدِ فعالیت‌های مزبور به شمار می‌آید. برقراریِ تعادل میان اتخاذ اقداماتِ مقتضی، مانند بستن کوچه‌ها به روی ترافیک، بهبود روشنایی معابر یا ایجاد حدود ایمن برای زمین‌های بازیِ مدارس، باهدف کاهش مخاطرات غیرقابل‌قبول در محیط‌های کودکان از یک‌سو، و اطلاع‌رسانی، تجهیز و توانمندسازیِ کودکان برای اتخاذ اقدامات محتاطانه باهدف افزایش امنیتِ خودشان از سوی دیگر، لازم و ضروری است. عالی‌ترین منافع کودک و شنیدنِ تجربیات و دغدغه‌های وی باید دو اصل تعیین‌کننده برای سطح خطری باشند که ممکن است کودکان در معرض آن قرار گیرند.

**۴۰. عدم دسترسی به طبیعت**: کودکان از طریق قرارگیری در درون دنیای طبیعی، بازی‌های خود-رهبر و اکتشاف همراه با بزرگ‌سالانی که عجایب و اهمیت آن را منتقل می‌کنند، دنیای طبیعی را یاد می‌گیرند، قدر آن را می‌دانند و از آن محافظت می‌کنند. خاطرات بازی‌های دوران کودکی و اوقات فراغت در طبیعت موجب تقویت توانایی‌های درونی برای مقابله با استرس می‌شود، حس اعجاز معنوی را الهام می‌بخشد و مراقبت از زمین را تشویق می‌کند. بازی در موقعیت‌های طبیعی به‌چابکی، تعادل، خلاقیت، همکاری‌های اجتماعی و تمرکز کمک می‌کند. ارتباط با طبیعت از طریق باغبانی، برداشت، مراسم‌ها و ژرف‌اندیشی‌های صلح‌آمیز، بُعدی مهم از هنر و میراث فرهنگیِ بسیاری از فرهنگ‌ها است. در دنیایی که خصوصی‌سازی و شهرنشینی رو به افزایش است، دسترسی کودکان به پارک‌ها، باغ‌ها، جنگل‌ها، سواحل و سایر مناطق طبیعی به‌تدریج، تضعیف و پایمال می‌شود و کودکانی که در مناطقِ شهریِ کم‌درآمد زندگی می‌کنند، بیش از دیگران در معرض عدم دسترسیِ مناسب به فضاهای سبز قرار می‌گیرند.

**۴۱. فشار برای موفقیت‌های تحصیلی**: بسیاری از کودکان در بسیاری از نقاط دنیا از حقوق خود تحت ماده ۳۱ منع می‌شوند. این امر، نتیجه پافشاری بر موفقیت‌های تحصیلی و دانشگاهی است، برای مثال:

۱. آموزش‌های زودهنگام دوران کودکی، به‌طور فزاینده‌ای بر اهداف تحصیلی و یادگیری‌های رسمی تمرکز دارد و هزینه آن عدم مشارکت در بازی و دستیابی به نتایج گسترده‌تر رشد و پیشرفت است؛

۲. تکالیف و تدریس‌های فوق‌برنامه، زمان و اوقات کودکان را برای انتخاب آزادانه فعالیت‌هایشان مختل می‌کنند؛

۳. ضرورت یا فراهم‌سازی بازی، تفریح و استراحت غالباً در برنامه‌های تحصیلی و برنامه‌های زمان‌بندی‌شده روزانه، به رسمیت شناخته نمی‌شوند؛

۴. به‌کارگیری روش‌های آموزشیِ رسمی یا نظریِ صرف در کلاس، فاقد مزایای یادگیریِ فعالانه از طریق بازی است؛

۵. در بسیاری از مدارس که کودکان مجبور می‌شوند وقت بیشتری را در فضاهای بسته و سرپوشیده بگذرانند، ارتباط با طبیعت رو به کاهش است؛

۶. در برخی کشورها، فرصت برای فعالیت‌های فرهنگی و هنری و حضور آموزگاران متخصص هنری در مدارس، در حمایت از درس‌های دانشگاهیِ بیشتر، رو به تضعیف است؛

۷. محدودیت در نوع بازی‌هایی که کودکان می‌توانند در مدرسه انجام دهند موجب عدم ایجاد فرصت برای خلاقیت، کشف و رشد اجتماعیِ آن‌ها می‌شود.

**۴۲ دستور کارهای بیش‌ازحد ساختاریافته و برنامه‌ریزی‌شده**: توانایی تحقق حقوق مندرج در ماده ۳۱ برای بسیاری از کودکان به دلیل تصمیماتِ بزرگ‌سالان، مانند ورزش‌های اجباری، فعالیت‌های توان‌بخشی برای کودکان دارای معلولیت یا انجام کارهای منزل به‌ویژه برای دختران که کل یا بیشتر وقت آن‌ها را برای فعالیت‌های خود-رهبر می‌گیرند، محدودشده است. سرمایه‌گذاری‌های حکومتی تمایل دارند که بر تفریحات رقابتیِ سازمان‌یافته تمرکز کنند یا گاهی کودکان را ملزم می‌کنند یا تحت‌فشار قرار می‌دهند تا در سازمان‌های جوانان که مورد انتخابشان نیست، مشارکت کنند. کودکان مستحق زمانی هستند که از سوی بزرگ‌سالان تعیین و کنترل نمی‌شود و همچنین مستحق زمانی که از درخواست‌ها و تقاضاها آزاد و رها هستند – اساساً، اگر تمایل دارند هیچ کاری انجام ندهند. درواقع، عدم فعالیت می‌تواند به‌عنوان محرکی برای خلاقیت باشد. تمرکز دقیق بر فعالیت‌های رقابتی یا برنامه‌ریزی‌شده کودک در اوقات فراغت وی، می‌تواند به رفاه اجتماعی، شناختی، عاطفی و جسمانیِ او ضربه بزند.[[6]](#footnote-6)

**۴۳. اِهمال از ماده ۳۱ در برنامه‌های توسعه**: مراقبت‌های اولیه دوران کودکی و اقدامات توسعه در بسیاری از کشورها، منحصراً بر موضوعاتِ بقای کودک تمرکز دارند و هیچ توجهی به شرایطی که موجب رشد و کامیابیِ کودک می‌شوند، ندارند. برنامه‌ها غالباً فقط با تغذیه، مصون‌سازی و آموزش‌های پیش‌دبستانی سروکار دارند و بر بازی، تفریح، فرهنگ و هنر، اصلاً یا بسیار کم تأکید و توجه می‌کنند. پرسنلی که برنامه‌ها را اجرایی می‌کنند، برای حمایت از جنبه‌های مذکور از نیازهای رشد کودک، به‌طور مناسب آموزش ندیده‌اند.

**۴۴. عدم سرمایه‌گذاری در فرصت‌های فرهنگی و هنری برای کودکان**: دسترسی کودکان به فعالیت‌های فرهنگی و هنری غالباً به‌وسیله طیفی از عوامل محدود می‌شود مانند عدم‌حمایت والدین؛ هزینه دسترسی؛ فقدان حمل‌ونقل؛ تمرکز و مرکزیت نمایشگاه‌ها، بازی‌ها و رویدادها بر محوریت بزرگ‌سالان؛ عدم مشارکت کودکان در محتوا، طراحی، مکان و شکلِ تدارکات. برای تحریک خلاقیت، لازم است تا بیش‌ازپیش بر خلق مکان‌ها و فضاها تأکید شود. عاملین مکانه‌ای هنری و فرهنگی باید نگاه خود را فراتر از مکانه‌ای فیزیکی بالابرده تا متوجه شوند که برنامه‌هایشان چگونه زندگیِ فرهنگی اجتماعاتی را که نمایندگی می‌کنند، بازتاب داده و بدان پاسخ می‌دهند. مشارکت کودکان در هنر، رویکردی کودک-محور را می‌طلبد که کودکان را مأمور به خلاقیت می‌کند و آن را نشان می‌دهد و همچنین آن‌ها را در برنامه‌ها و ساختارِ پیشنهادی مشارکت می‌دهد. چنین مشارکتی در طی دوران کودکی می‌تواند به تحریک علائق فرهنگی برای زندگی کمک کند.

**۴۵. نقش روبه رشدِ رسانه‌های الکترونیکی**: کودکان در همه نقاط دنیا، اوقاتی رو به رشد را به بازی و فعالیت‌های تفریحی، فرهنگی و هنری، هم به‌عنوان مصرف‌کننده و هم خلق‌کننده، از طریق رسانه‌ها و بسترهای دیجیتالی سپری می‌کنند، مثل تماشای تلویزیون، پیام‌رسانی، شبکه‌های اجتماعی، سرگرمی، ارسال و دریافت پیامک، گوش دادن به موزیک و ساخت آن، تماشای ویدیو و فیلم و ساخت آن‌ها، خلق گونه‌های جدید هنری، پست کردن تصاویر. فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات به‌عنوان بُعدی مرکزی از واقعیت روزانه کودکان در حال ظهور است. امروزه، کودکان پیوسته میان محیط‌های آنلاین و آفلاین در حال حرکت و جابه‌جایی هستند. این بسترها، فوایدی بزرگ - ازنظر آموزشی، اجتماعی و فرهنگی - دارند و دولت‌ها تشویق می‌شوند تا همه تدابیر لازم را جهت تضمین برابریِ فرصت‌ها در راستای برخورداری از مزایای مزبور برای همه کودکان، اتخاذ کنند. کانون و مرکز تحقق حقوق مندرج در ماده ۳۱ در محیطی جهانی شده، دسترسی به اینترنت است.

۴۶. بااین‌حال، کمیته نگران از مجموعه‌ای رو به رشد از شواهد است که نشان می‌دهند محیط‌های مزبور و مقدار زمان تعامل کودکان با آن‌ها، می‌تواند موجب خطرات چشمگیر بالقوه‌ای شود که به کودکان آسیب می‌زنند.[[7]](#footnote-7) برای مثال:

* دسترسی به اینترنت و رسانه‌های جمعی، کودکان را در معرض زورگویی مجازی، پورنو گرافی و ارتباطِ جنسیِ مجازی قرار می‌دهد. بسیاری از کودکان از طریق کافه‌ها، کافی‌نت‌ها و باشگاه‌های کامپیوتری به اینترنت وصل می‌شوند که هیچ محدودیت مناسبی برای دسترسی آن‌ها به اینترنت یا سیستم‌های نظارتی مؤثر وجود ندارد؛
* به نظر می‌رسد که افزایش مشارکت دربازی‌های ویدیوییِ خشونت‌آمیز به‌ویژه در میان پسرها، با رفتارهای پرخاشگرانه‌ای مرتبط است که به شکل گسترده دربازی‌های مزبور وجود داشته و با رفتارهای خشن تعامل کرده و به آن پاداش می‌دهند. ازآنجایی‌که کودکان تمایل به انجام مجددِ بازی دارند پس یادگیریِ منفی تقویت می‌شود که می‌تواند منجر به کاهش حساسیت آن‌ها نسبت به درد و رنج دیگران و رفتارهای پرخاشگرانه یا آسیب‌زننده به دیگران شود. افزایش موقعیت برای انجام بازی‌های آنلاین که کودکان را بدون فیلتر در معرض شبکه‌ای جهانی از کاربران قرار می‌دهند نیز مایه نگرانی است.
* بسیاری از رسانه‌ها، به‌ویژه جریان اصلی تلویزیون، در بازتاب زبان، ارزش‌های فرهنگی و خلاقیت در تنوعِ فرهنگیِ موجود در سراسر جامعه، ناکام می‌مانند. دیدگاه تک فرهنگی نه‌تنها فرصت کسب بهره از گستره بالقوه فعالیت‌های فرهنگی موجود را محدود نمی‌کند بلکه موجب تصدیق کم‌ارزشی فرهنگ‌های غیر از جریان اصلی می‌شود. تلویزیون موجب تضعیف بسیاری از بازی‌ها، آوازها و قافیه‌های دوران کودکی می‌شود که به‌طور سنتی و نسل به نسل در خیابان و زمین‌بازی منتقل‌شده‌اند؛
* افزایش وابستگی به فعالیت‌های صفحه نمایش-محور موجب کاهش سطح فعالیت جسمانی در میان کودکان، خواب ناکافی و ضعیف، افزایش چاقی و سایر بیمارهای مربوطه می‌شود.

**۴۷. بازاریابی و تجاری‌سازی بازی**: کمیته نگران از روندی است که بسیاری از کودکان و خانواده‌هایشان را در معرض سطوح فزاینده تجاری‌سازی و بازاریابی بی‌قانون توسط تولیدکنندگان اسباب‌بازی و سرگرمی، قرار می‌دهد. والدین برای خرید بیشتر کالاها تحت‌فشار قرار دارند و این امر می‌تواند به رشد کودک آسیب‌زده یا با بازی‌های خلاقانه در تضاد باشد مثلاً کالاهایی که برنامه‌های تلویزیونی را باشخصیت‌ها و داستان‌های از پیش تعیین‌شده، ترویج می‌دهند و از اکتشاف‌های خیال‌انگیز کودکان جلوگیری می‌کنند؛ اسباب‌بازی‌هایی که ریزتراشه دارند و کودک را به نظاره‌گری منفعل تبدیل می‌کنند؛ بسته‌هایی که الگوهای از پیش تعیین‌شده برای فعالیت دارند؛ اسباب‌بازی‌هایی که کلیشه‌های سنتیِ جنسیتی یا سکسی سازیِ زودهنگام دختران را ترویج می‌دهند؛ اسباب‌بازی‌هایی که حاوی قطعات با مواد شیمیاییِ خطرناک هستند؛ اسباب‌بازی‌ها و سرگرمی‌های واقع‌گرای جنگی. بازاریابیِ جهانی نیز می‌تواند منجر به تضعیف مشارکت کودکان در حیات سنتیِ فرهنگی و هنریِ اجتماعشان شود.

**هفتم. کودکان نیازمند توجه خاص برای تحقق حقوقشان تحت ماده ۳۱**

**۴۸. دخترها**: ترکیبی از بار مسئولیت بسیار زیاد در خانه و مراقبت از خواهرها و برادرها و خانواده، دغدغه‌های محافظه‌کارانه والدین، فقدان امکانات مناسب و پندارهای فرهنگی که بر انتظارات و رفتارهای دخترها محدودیت اِعمال می‌کنند، می‌تواند منجر به تضعیف فرصت‌های آن‌ها، به‌ویژه در دوران نوجوانی، برای برخورداری از حقوقشان تحت ماده ۳۱ شود. افزون بر آن، تفکیک‌های جنسیتی که به‌عنوان بازی‌های دخترانه و پسرانه شناخته می‌شوند و به‌طور گسترده توسط والدین مراقب‌ها، رسانه‌ها و تولیدکنندگان/سازندگانِ سرگرمی‌ها و اسباب‌بازی‌ها تشدید می‌شوند، می‌توانند منجر به تقسیمات سنتیِ نقش‌های جنسیتی در جامعه شوند. شواهد نشان می‌دهند که درحالی‌که سرگرمی‌های پسران، آن‌ها را برای عملکرد موفق در دامنه‌ای گسترده از موقعیت‌های حرفه‌ای و سایر موقعیت‌ها در جامعه مدرن آماده می‌کند اما، سرگرمی‌های دختران، در مقابل، آن‌ها را به‌سوی حوزه‌های خصوصی در خانه و نقش‌های آینده آن‌ها به‌عنوان همسر و مادر هدایت می‌کند. پسران و دختران نوجوان غالباً از مشارکت در فعالیت‌های تفریحی مشترک دلسرد و ناامید می‌شوند. افزون بر آن، دخترها در مقایسه با پسرها، عموماً از سطح مشارکت کمتری در فعالیت‌های جسمانی و سرگرمی‌های سازمان‌یافته برخوردار هستند که این امر می‌تواند درنتیجه فرهنگ بیرونی یا محرومیت خود-خواسته یا فقدان امکانات مناسب باشد. چنین الگویی مایه نگرانی است زیرا فواید جسمانی، روانی، اجتماعی و فکری درنتیجه مشارکت در فعالیت‌های ورزشی، اثبات‌شده است.[[8]](#footnote-8) عطف به موانع گسترده و فراگیر که مانع تحقق حقوق مندرج در ماده ۳۱ برای دخترها هستند، کمیته قویاً از دولت‌های عضو می‌خواهد که برای به چالش کشیدن آن دسته از کلیشه‌های جنسیتی اقدام کنند که موجب ترکیب و تقویت الگوهای تبعیض و نابرابریِ فرصت‌ها می‌شوند.

**۴۹. کودکانی که در فقر به سر می‌برند**: عدم دسترسی به امکانات، ناتوانی در پرداخت هزینه‌های مشارکت، محله‌های خطرناک و نادیده گرفته شده، ضرورت اشتغال و حس عدم قدرت و به حاشیه رانده‌شده، همگی موجب محرومیت و استثنا سازی فقیرترین کودکان در تحقق حقوق مندرج در ماده ۳۱ می‌شود. برای بسیاری از افراد، خطرات بهداشتی و ایمنیِ خارج از خانه با محیط خانه‌ای که در آن، مکان یا محدوده بازی و تفریح اصلاً وجود ندارد یا بسیار اندک است، ترکیب می‌شود. کودکانِ بدون والد، به‌طور خاص در معرض از دست دادن حقوق مندرج در ماده ۳۱ قرار دارند؛ کودکان خیابانی قادر به استفاده از امکانات برای بازی نیستند و عموماً از پارک‌ها و زمین‌های بازی حذف می‌شوند، مگر آنکه خلاقیت خود را برای استفاده از موقعیت‌های غیررسمیِ خیابان جهت فرصت‌های بازی به‌کارگیرند. مقامات شهری باید اهمیت پارک‌ها و فضاهای بازی را برای تحقق حقوق مندرج در ماده ۳۱ توسط کودکانی که در فقر به سر می‌برند، به رسمیت بشناسند و در خصوص ابتکارات سیاست‌گذاری، طرح‌ریزی و توسعه‌ای با آن‌ها وارد گفت‌وگو شوند. دولت‌ها باید برای تضمین هم دسترسی به و هم ایجاد فرصت جهت فعالیت‌های فرهنگی و هنری برای همه کودکان و همچنین برای ایجاد فرصت‌های برابر جهت بازی و تفریح، اقدامات مقتضی را اتخاذ کنند.

**۵۰. کودکان دارای معلولیت**: موانع چندگانه بسیاری بر سر راه کودکان دارای معلولیت برای دسترسی به حقوق مندرج در ماده ۳۱ وجود دارد مثلاً محرومیت از مدرسه؛ عرصه‌های غیررسمی و اجتماعی که دوستی‌ها در آنجا شکل‌گرفته و بازی‌ها و تفریحات صورت می‌گیرند؛ انزوای خانگی؛ نگرش‌های فرهنگی و کلیشه‌های منفی که نسبت به کودکان دارای معلولیت خصمانه بوده و آن‌ها را طرد می‌کنند؛ عدم دسترسیِ فیزیکی به مکانه‌ای عمومی، پارک‌ها، زمین‌های بازی و امکانات، سینماها، تئاترها، سالن‌های کنسرت، امکانات و عرصه‌های ورزشی؛ سیاست‌هایی که آن‌ها را از عرصه‌های فرهنگی یا ورزشی، به دلیل مسائل ایمنی، استثنا می‌کند؛ موانع ارتباطی و ناکامی در تفسیر و ترجمه و فناوری‌های انطباقی؛ فقدان حمل‌ونقل قابل‌دسترس. اگر سرمایه‌گذاری‌ها موجب دسترسی‌پذیری رادیو، تلویزیون، رایانه‌ها و تبلت‌ها، مثلاً از طریق به‌کارگیری فناوری‌های کمکی، نشوند، کودکان دارای معلولیت نیز ممکن است در برخورداری از حقوقشان بازبمانند. در این خصوص، کمیته پذیرای ماده ۳۰ کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت است که بر تعهدات دولت‌های عضو تأکید می‌کند مبنی بر تضمین اینکه کودکان دارای معلولیت از دسترسی برابر با سایر کودکان جهت مشارکت در بازی، تفریح، فعالیت‌های ورزشی و فراغت مانند نظام جریان اصلی در مدارس، برخوردار هستند. اتخاذ اقدامات پیشگیرانه برای نابودیِ موانع و بهبود دسترسی‌پذیری به و فراهم‌سازی فرصت‌های فراگیر برای کودکان دارای معلولیت جهت مشارکت در همه فعالیت‌های مزبور، ضروری و لازم است.[[9]](#footnote-9)

**۵۱. کودکان در مؤسسات**: بسیاری از کودکان همه یا بخشی از دوران کودکیِ خود را در مؤسساتی مانند خانه‌ها و مدارس اقامتی، بیمارستان‌ها، کانون‌های اصلاح و تربیت، خانه‌های بازداشت و مراکز پناه‌جویان می‌گذرانند که فرصت بازی، تفریح و مشارکت در حیات فرهنگی و هنری را محدود یا کلاً منع می‌کنند. کمیته تأکید می‌کند که دولت‌ها باید به سمت حذف نهادینه‌سازی اقدام کنند؛ اما تا زمان دستیابی به این هدف، دولت‌ها باید اقدامات مقتضی را اتخاذ کنند مبنی بر تضمین اینکه همه چنین مؤسساتی متعهد می‌شوند که هم‌مکان‌ها و هم فرصت‌ها را برای پیوند کودکان با همسالانشان جهت بازی و مشارکت در سرگرمی‌ها، فعالیت‌های فیزیکی و حیات فرهنگی و هنری فراهم سازند. اقدامات مزبور نباید به فعالیت‌های اجباری یا سازمان‌یافته محدود شوند؛ محیط‌های ایمن و مهیج برای مشارکت کودکان در بازی‌ها و تفریحات آزادانه، ضروری و لازم هستند. در صورت امکان، کودکان باید از این فرصت‌ها در اجتماعات محلیِ خودشان بهره ببرند. کودکانی که به مدت طولانی در مؤسسات زندگی می‌کنند نیز به آثار ادبی، گاهنامه‌ها، دسترسی به اینترنت و همچنین دریافت حمایت برای استفاده از منابع مزبور، نیاز دارند. وجود زمان، مکانه‌ای مناسب، منابع و تجهیزات کافی، کارکنان آموزش‌دیده و پرانگیزه و تهیه بودجه‌های تخصیصی برای خلق محیط‌های حیاتی، ضروری هستند تا تضمین شود که همه کودکانی که در مؤسسات زندگی می‌کنند می‌توانند حقوق خود را تحت ماده ۳۱ تحقق بخشند.

**۵۲. کودکان متعلق به جوامع بومی و اقلیت**: تبعیض‌های قومی، مذهبی، نژادی یا قبیله‌ای می‌توانند منجر به محرومیت کودکان در تحقق حقوقشان تحت ماده ۳۱ شوند. خصومت، سیاست‌های یکسان‌سازی، طرد، خشونت و تبعیض می‌توانند مانعِ بهره‌مندی کودکانِ بومی و اقلیت از عمل به فرهنگ خودشان، آیین‌های مذهبی و مراسم‌ها، مشارکت در ورزش، سرگرمی، فعالیت‌های فرهنگی، بازی و تفریح همراه با سایر کودکان باشند. دولت‌ها متعهد هستند که برای مشارکت اقلیت‌ها در حیات تفریحی و فرهنگیِ جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند و در حفظ، ارتقا و گسترش فرهنگشان، حقوق اقلیت‌ها را به رسمیت شناخته، از آن صیانت کرده و بدان احترام بگذارند.[[10]](#footnote-10) بااین‌حال، کودکانِ متعلق به جوامع بومی نیز از حق تجربه و کشف فرهنگ‌ها فراتر از مرزهای سنت‌های خانوادگی‌شان برخوردار هستند. برنامه‌های فرهنگی و هنری باید برمبنای فراگیری، مشارکت و عدم تبعیض باشند.

**۵۳. کودکان در شرایط مناقشات، بلایای انسانی و طبیعی**: در شرایط مناقشات یا بلایا، حقوق مندرج در ماده ۳۱ غالباً از اولویت کمتری نسبت به تهیه غذا، پناهگاه و دارو برخوردار هستند. بااین‌حال فرصت بازی، تفریح و فعالیت‌های فرهنگی در چنین شرایطی می‌تواند نقشی چشمگیر در درمان و توان‌بخشی کودکان ایفا کند و به کودکان کمک کنند تا پس از تجربه از دست دادن‌ها، جابه‌جایی‌ها و تروما دوباره به شرایط عادی برگردند و حس لذت را به دست آورند. بازی، موزیک، شعر یا درام می‌توانند به کودکانِ پناه‌جو و کودکانی که فوت نزدیکان، خشونت، سوءاستفاده یا استثمار را تجربه کرده‌اند، کمک کنند تا بر دردهای عاطفیِ خود فائق آیند و کنترل زندگی‌شان را دوباره به دست گیرند. فعالیت‌های مزبور می‌توانند حس هویت را بازگرداند، به آن‌ها کمک کند که معنای آنچه را که روی داده درک کنند، و تجربه حس خوشی و لذت را برای آن‌ها ممکن سازد. مشارکت در فعالیت‌های فرهنگی یا هنری، بازی و تفریح، فرصتی را برای کودکان به وجود می‌آورد تا در تجربیاتی مشترک، مشارکت کنند، تا حس ارزش شخصی و خود-ارزشمندی را دوباره ایجاد کنند، تا خلاقیت خود را کشف کنند و تا به حس پیوستگی و تعلق دست یابند. مکانه‌ای بازی نیز باید فرصت نظارت را فراهم سازند تا کودکانی که از اثرات مخرب مناقشات رنج می‌برند، شناسایی شوند.

**هشتم. تعهدات دولت‌های عضو**

۵۴. ماده ۳۱، سه تعهد را بر دوش دولت‌های عضو می‌گذارد تا تضمین کند که حقوق مندرج در آن توسط هر کودک و بدون تبعیض تحقق می‌یابند:

(الف) تعهد به **احترام**، دولت‌های عضو را ملزم می‌سازد تا از مداخله در بهره‌مندی از حقوق مندرج در ماده ۳۱، چه به‌صورت مستقیم و چه غیرمستقیم، خودداری کنند؛

(ب) تعهد به **صیانت**، دولت‌های عضو را ملزم می‌سازد تا اقدامات مقتضی را برای پیشگیری از مداخلات اشخاص ثالث در حقوق مندرج در ماده ۳۱، اتخاذ کنند؛

(پ) تعهد به **تحقق**، دولت‌های عضو را ملزم می‌سازد تا تدابیر ضروریِ قانون‌گذاری، اداری، قضایی، بودجه‌بندی، تبلیغاتی و غیره را باهدف تسهیل بهره‌مندی از حقوق مندرج در ماده ۳۱، از طریق اقدام به ایجاد همه خدمات، تدارکات و فرصت‌های ضروری، اتخاذ کنند.

۵۵. درحالی‌که میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در راستای تحقق تدریجیِ حقوقِ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تدوین‌شده است و مشکلات ناشی از منابع محدود را به رسمیت می‌شناسد، اما حتی در جاهایی که منابع، ناکافی هستند، تعهدی ویژه و مستمر را بر دوش دولت‌های عضو می‌گذارد مبنی بر اینکه «برای تضمین حداکثر نهایت بهره‌مندی از حقوق مربوطه تحت شرایط حاکم تلاش کنند».[[11]](#footnote-11) بدین ترتیب، هیچ اقدامی در خصوص حقوق مندرج در ماده ۳۱ که نشان از پسرفت باشد، روا و جایز نخواهد بود. هرگونه اقدام عمدی که صورت می‌گیرد، دولت باید ثابت کند که همه گزینه‌ها را با دقت بررسی کرده، مانند توجه و بررسیِ دیدگاه‌های ابراز شده کودکان در خصوص یک مسئله، و تصمیمِ گرفته شده، با توجه به همه حقوق مندرج دیگر در کنوانسیون، موجه و معقول بوده است.

۵۶. تعهد به احترام شامل پذیرش تدابیر ویژه باهدف دستیابی به احترام گذاشتن به حقوق تک تک کودکان، خواه به‌صورت فردی یا در ارتباط با دیگران، می‌شود تا حقوق آن‌ها تحت ماده ۳۱ تحقق یابد، مانند:

(الف) **حمایت از مراقب‌ها**: مطابق با پاراگراف ۲ ماده ۱۸ کنوانسیون باید مراقب‌ها و والدین از راهنمایی، حمایت و تسهیل در خصوص حقوق مندرج در ماده ۳۱ برخوردار شوند. حمایت مذکور می‌تواند در قالب راهنمایی‌های عملی باشد مثلاً درباره اینکه چگونه در زمان بازی به کودکان گوش داد؛ محیط‌هایی را برای تسهیل بازی کودکان ایجاد کرد؛ به کودکان اجازه داد تا آزادانه و با دیگران بازی کنند. حمایت همچنین می‌تواند دربرگیرنده اهمیت تشویق به خلاقیت و چابکی؛ اهمیت برقراری تعادل میان امنیت و اکتشاف؛ اهمیت ارزش رو به رشدِ بازی و قرار گرفتن در معرض فعالیت‌های فرهنگی، هنری و تفریحی، به‌صورت راهبردی، باشد.

(ب) **افزایش آگاهی**: دولت‌ها باید در آن دسته از اقداماتی سرمایه‌گذاری کنند که نگرش‌های متداولِ فرهنگیِ را که ارزشی کم و اندک برای حقوق مندرج در ماده ۳۱ قائل هستند، به چالش بکشند مانند:

* آگاهی عمومی هم نسبت به‌حق و هم نسبت به اهمیت بازی، تفریح، استراحت، فراغت و مشارکت در فعالیت‌های فرهنگی و هنری هم برای دختران و هم برای پسران در همه سنین جهت کمک به بهره‌مندی و لذت از دوران کودکی، ترویج رشد مطلوب کودک و ساخت محیط‌های مفید یادگیری؛
* اقداماتی که نگرش‌های منفیِ فراگیر را، به‌ویژه نسبت به نوجوانان، به چالش بکشند؛ نگرش‌هایی که منجر به محدودیت فرصت‌ها برای بهره‌مندی از حقوقشان تحت ماده ۳۱ می‌شود. به‌طور خاص، فرصت‌ها باید برای کودکان ایجاد شوند تا بتوانند خود را در رسانه‌ها نمایش دهند.

۵۷. تعهد به صیانت دولت‌های عضو را ملزم می‌سازد تا برای جلوگیری از مداخلات یا ایجاد محدودیت در حقوق مندرج در ماده ۳۱ از سوی اشخاص ثالث، اقدام کنند. ازاین‌رو، دولت‌ها متعهد به تضمین برخی موارد هستند مانند:

(الف) **عدم تبعیض**: قانون‌گذاری ملزم است که تضمین کند همه کودکان، بدون مواجه با هیچ گونه‌ای از تبعیض، به محیط‌های تفریحی، فرهنگی و هنری دسترسی دارند ازجمله مکانه‌ای عمومی و خصوصی، فضاهای طبیعی، پارک‌ها، زمین‌های بازی، مکانه‌ای ورزشی، موزه‌ها، سینماها، کتابخانه‌ها، تئاترها و رویدادها، خدمات و فعالیت‌های فرهنگی؛

(ب) **کنترل عاملین غیردولتی**: قانون‌گذاری، مقررات و دستورالعمل‌ها باید همراه با تخصیص بودجه‌های ضروری و سازوکارهای نظارتی و اجراییِ مؤثر تدوین شوند تا تضمین شود که همه اعضای جامعه مدنی مانند بخش تجاری، از مفاد ماده ۳۱ پیروی می‌کنند ازجمله:

۱. صیانت کاری برای همه کودکان، تا تضمین شود که محدودیت‌های مناسب بر ماهیت، ساعات و روزهای کار، زمان استراحت و توانایی برای تفریح و استراحت، مطابق با ظرفیت‌های تکاملیِ آن‌ها، اِعمال می‌شود. دولت‌ها تشویق می‌شوند تا کنوانسیون‌های سازمان بین‌المللی کار به شماره‌های ۷۹، ۹۰، ۱۳۸ و ۱۸۲ را تصویب و اجرا کنند؛[[12]](#footnote-12)

۲. ایجاد استانداردهای ایمنی و دسترسی‌پذیری برای همه امکاناتِ بازی و تفریحی، اسباب‌بازی‌ها و وسایل سرگرمی؛

۳. تعهد به ترکیب امکانات و فرصت‌ها برای تحقق حقوق مندرج در ماده ۳۱ در طرح‌های پیشنهادیِ توسعه شهری و روستایی؛

۴. صیانت در برابر مواد فرهنگی، هنری یا تفریحی که ممکن است به رفاه کودکان آسیب برسانند، مثل سیستم‌های صیانتی و طبقه‌بندی حاکم بر پخش رسانه‌ای و فیلم، با توجه به مفاد ماده ۱۳ درباره آزادی بیان و ماده ۱۸ درباره مسئولیت‌های والدین؛

۵. تدوین مقررات جهت ممنوعیت ساخت و تولید سرگرمی‌ها و اسباب‌بازی‌های واقع‌گرای جنگی برای کودکان؛

(پ) **صیانت از کودکان در برابر آسیب**: سیاست‌های صیانتی، روندها، اخلاقیات، کدها و استانداردهای حرفه‌ای برای همه متخصصانی که در زمینه بازی، تفریح، ورزش، فرهنگ و هنر با کودکان کار می‌کنند باید شناخته و الزامی شوند. به رسمیت شناسیِ صیانت از کودکان در برابر آسیب‌های بالقوه‌ای که ممکن است از سوی سایر کودکان در اِعمال حقوقشان تحت ماده ۳۱ وارد شود نیز باید موردتوجه قرار گیرد؛[[13]](#footnote-13)

(ت) **ایمنیِ آنلاین**: برای ارتقای دسترسی آنلاین، دسترسی‌پذیری و ایمنی باید تدابیر مقتضی اتخاذ و ارائه شوند. این تدابیر باید اقدامات اطلاع‌رسانی به کودکان و توانمندسازیِ آن‌ها را دربرگیرنده تا کودکان بتوانند بدون خطر، از محیط آنلاین استفاده کنند، به شهروندانی مسئولیت‌پذیر در دنیای دیجیتال تبدیل شوند و سوءاستفاده یا فعالیت‌های نامناسب را، در صورت مشاهده، گزارش دهند. اتخاذ برخی اقدامات و تدابیر نیز ضروری است تا بخشودگی‌های بزرگ‌سالان متجاوز از طریق قانون‌گذاری و همکاری‌های بین‌المللی کاهش یابد؛ دسترسی به شبکه‌های سرگرمی و مطالب و مواد آسیب‌زننده و مناسبِ بزرگ‌سالان محدود شود؛ اطلاعات برای والدین، معلم‌ها و سیاست‌گذاران ارتقا یابد با این هدف که آگاهی نسبت به آسیب‌های بالقوه سرگرمی‌های خشونت‌آمیز افزایش یابد و جهت ترویج گزینه‌هایی ایمن‌تر و جذاب برای کودکان، راهبردهایی تدوین شوند؛

(ث) ایمنی **پس از مناقشات**: پس از شرایط مناقشات و بلایا باید اقداماتی فعالانه جهت بازگشت و صیانت از حقوق مندرج در ماده ۳۱ اجرا شوند، مانند:

۱. تشویق به بازی و بیان خلاقانه جهت ارتقای درمان‌های روانی و بهبودپذیری؛

۲. ایجاد و ترمیم مکانه‌ای امن که کودکان در آن مکان‌ها، به‌عنوان بخشی از عادی‌سازی زندگیِ خود، بازی و تفریح می‌کنند، مانند مدارس؛

۳. در مناطقی که میادین مین، تهدیدی برای ایمنیِ کودکان به شمار می‌روند باید جهت تضمین پاک‌سازی کامل میادین مین و بمب‌های خوشه‌ای در همه مناطق متأثر از آن، سرمایه‌گذاری انجام شود؛[[14]](#footnote-14)

(ج) بازاریابی **و رسانه**: اقداماتی باید بنیان گذاشته و آغاز شوند که:

* سیاست‌های مرتبط با تجاری‌سازی اسباب‌بازی‌ها و سرگرمی‌های کودکان را بررسی کنند مثلاً از طریق برنامه‌های تلویزیونی کودکان و تبلیغات مستقیمِ مربوطه، با توجه ویژه به آن‌هایی که خشونت و پسرها و دخترها را در حالات سکسی ترویج می‌دهند و کلیشه‌های جنسیتی و معلولیت را تقویت می‌کنند؛
* قرار گرفتنِ کودکان در معرض تبلیغات را در زمان ساعات اوج بازدید، محدود کند.

(چ) سازوکارهای **شکایت**: سازوکارهای مستقل، مؤثر، ایمن و قابل‌دسترس باید برای کودکان مقرر شوند تا در صورت پایمال شدنِ حقوقشان تحت ماده ۳۱ بتوانند شکایت کنند و به دنبال جبران خسارت بگردند.[[15]](#footnote-15) کودکان باید بدانند که پیش چه کسی شکایت کنند و چگونه (از چه روندی) این کار را انجام دهند. دولت‌ها تشویق می‌شوند که پروتکل‌های اختیاری کنوانسیونِ حقوق کودک درباره رویه‌های ارتباطات (OPIC) را امضا و تصویب کنند، که به‌موجب آن، هر کودک اجازه دارد تا به‌تنهایی شکایت از تخلفات را طرح و عرضه کند.

۵۸. تعهد به تحقق، دولت‌های عضو را ملزم به اتخاذ دامنه‌ای گسترده از تدابیر و اقدامات برای تضمین تحقق همه حقوق مندرج در ماده ۳۱ می‌کند. بنا بر ماده ۱۲ کنوانسیون، همه تدابیر مزبور چه در سطح ملی و چه در سطح محلی شامل طرح‌ریزی، طراحی، توسعه، اجرا و نظارت باید با همکاریِ خودِ کودکان، سازمان‌های غیرانتفاعی و سازمان‌های اجتماع-محور و از طریق مثلاً باشگاه‌ها و انجمن‌های کودکان، گروه‌های هنری و ورزشی، سازمان‌های نماینده کودکان و بزرگ‌سالان دارای معلولیت، نمایندگان اقلیت‌ها و خانه‌های بازی، تدوین و ترویج داده شوند.[[16]](#footnote-16) به‌طور خاص، موارد ذیل باید موردتوجه قرار گیرند:

(الف) **قانون‌گذاری و طرح‌ریزی**: کمیته قویاً دولت‌ها را تشویق می‌کند که تدوین قانون‌گذاری را موردتوجه قرار دهند تا حقوق مندرج در ماده ۳۱ برای همه کودکان همراه با یک جدول زمان‌بندی‌شده برای اجرا، تضمین شود. این قانون‌گذاری‌ها باید اصل کفایت را موردتوجه قرار دهند – همه کودکان باید از زمان و مکان مکفی برای اِعمال حقوقشان برخوردار باشند. توسعه یک طرح، سیاست یا چارچوب اختصاصی برای ماده ۳۱ یا الحاق آن به یک برنامه کلی و ملیِ اقدام برای اجرای کنوانسیون، باید موردتوجه قرار گیرند. چنین طرحی باید پیامدهای ماده ۳۱ بر دخترها و پسرها در همه سنین و کودکانِ متعلق به گروه‌ها و اجتماعاتِ به حاشیه رانده‌شده را در نظر بگیرد. طرح مزبور باید خلق زمان و مکان را جهت فعالیت‌های خود-رهبرِ کودکان به رسمیت شناخته و برای آن، به‌مثابه ایجاد امکانات و فرصت‌ها جهت فعالیت‌های سازمان‌یافته، اهمیت قائل شود؛

(پ) **گرداوری داده و پژوهش**: شاخصه‌ای اطاعت و سازوکارهای نظارت و ارزیابیِ اجرا باید برای تضمین پاسخگویی به کودکان درباره تحقق تعهداتِ تحت ماده ۳۱، تدوین شوند. دولت‌ها باید داده‌های مبتنی بر جمعیت را گرداوری و برمبنای سن، جنس، قومیت و معلولیت تفکیک کنند تا بتوانند نسبت به گستره و ماهیت مشارکت کودکان در بازی، تفریح و حیات فرهنگی و هنری آگاهی و شناخت کسب کنند. این اطلاعات باید بتوانند فرایندهای برنامه‌ریزی را تحت تأثیرِ خود قرار دهند و مبنایی را برای اندازه‌گیری پیشرفت در اجرا فراهم کنند. تحقیقات درباره زندگی روزانه کودکان و مراقبه‌ای آن‌ها و پیامد شرایط محله و خانه نیز ضروری است تا نسبت به چگونگی استفاده کودکان از محیط؛ موانع موجود برای بهره‌مندی از حقوق مندرج در ماده ۳۱؛ رویکردهای اتخاذشده برای غلبه بر موانع مذکور از سوی آن‌ها و اقدامات لازم برای دستیابی به تحقق بیشترِ حقوق مزبور، شناخت و آگاهی پیدا کنند. برای انجام چنین تحقیقاتی لازم است تا خود کودکان فعالانه مشارکت داده شوند ازجمله کودکانِ متعلق به اجتماعاتی که بیش از سایرین به حاشیه رانده‌شده‌اند؛

(پ) **همکاری‌های متقابل میان بخش‌های ملی و شهری**: طرح‌ریزی برای بازی، تفریح و فعالیت‌های فرهنگی و هنری نیازمندِ رویکردی گسترده و جامع شامل همکاری‌های متقابل میان بخش‌ها و پاسخگویی میان مقامات ملی، منطقه‌ای و شهری هست. بخش‌های مربوطه فقط و منحصراً شامل آن بخش‌هایی نمی‌شود که مستقیماً با کودکان سروکار دارند مثل بهداشت، آموزش، خدمات اجتماعی، صیانت از کودک، فرهنگ، تفریح و ورزش، بلکه آن بخش‌هایی را که با آب و تخلیه بهداشتی فاضلاب، اِسکان، پارک‌ها، حمل‌ونقل، برنامه‌ریزی شهری و محیط مرتبط هستند نیز در برمی‌گیرد که همگی تأثیری شگرف بر خلق محیط‌هایی می‌گذارند که در آن‌ها، کودکان می‌توانند حقوق خود تحت ماده ۳۱ را تحقق بخشند؛

(ت) **بودجه**: بودجه‌ها باید بازبینی و بررسی شوند تا تضمین شود که بودجه برای فعالیت‌های فرهنگی، هنری، ورزشی، تفریحی و بازیِ کودکان به‌صورت فراگیر و مطابق با حضور کلیِ آن‌ها به‌عنوان بخشی از جمعیت تخصیص داده شده و برای تأمین کودکان در همه سنین توزیع شده است، برای مثال: حمایت بودجه‌ای از انتشار کتاب‌ها، مجلات و مطالب کودکان؛ بیان‌های گوناگونِ هنری، خواه رسمی خواه غیررسمی، برای کودکان؛ امکانات و ساختمان‌ها و مکانه‌ای عمومیِ قابل‌دسترس؛ سرمایه‌ها و منابع برای تسهیلاتی مانند باشگاه‌های ورزشی یا مراکز جوانان. هزینه اقداماتِ تضمین دسترسی به کودکانی که بیش از سایرین به حاشیه رانده‌شده‌اند باید موردتوجه قرار گیرد؛ مانند تعهد به فراهم‌سازی انطباق منطقی جهت تضمین برابریِ در دسترسیِ کودکان دارای معلولیت؛

(ث) **طراحی جهانی[[17]](#footnote-17)**: پیرو تعهد به ترویج شمول کودکان دارای معلولیت و صیانت از آن‌ها در برابر تبعیض، سرمایه‌گذاری در طراحی جهانی مرتبط با امکانات، ساختمان‌ها، تجهیزات و خدماتِ بازی، تفریحی، فرهنگی، هنری و ورزشی، بسیار حیاتی و ضروری است. دولت‌ها باید با عاملین غیردولتی مشارکت کنند تا اجرای طراحی جهانی در طرح‌ریزی و تولید همه مواد و مکان‌ها را تضمین کنند مثلاً ورودی‌های قابل‌دسترس برای افرادی که از ویلچر استفاده می‌کنند و طراحیِ فراگیرِ محیط‌های بازی ازجمله در مدارس؛

(د) **برنامه‌ریزی شهری**: شهرداریِ محلی باید ایجاد خدمات بازی و تفریح را ارزیابی کند تا برابریِ دسترسی را برای همه گروه‌های کودکان، مثلاً، از طریق ارزیابی اثرات بر کودک تضمین کند. بنا بر تعهدات تحت ماده ۳۱، برنامه‌ریزی عمومی باید ایجاد محیط‌هایی را که موجب افزایش رفاه کودک می‌شوند، در اولویت قرار دهند. برای دستیابی به محیط‌های ضروریِ شهری و روستاییِ دوستدار کودک، باید برخی موارد را موردتوجه قرار داد، ازجمله:

* وجود پارک‌ها، مرکز اجتماعات محلی، ورزش‌ها و زمین‌های بازیِ فراگیر، ایمن و قابل‌دسترس برای همه کودکان؛
* ایجاد محیطی امن برای زندگی جهت انجام آزادانه بازی‌ها؛ مانند طراحی مناطقی که در آن‌ها، بازی کنندگان، عابرین پیاده و دوچرخه‌سوارها در اولویت قرار دارند؛
* اتخاذ اقداماتِ عمومیِ ایمنی برای صیانت از مناطق بازی و تفریح در برابر افراد یا گروه‌هایی که تهدیدی برای امنیت کودکان به شمار می‌آیند؛
* ایجاد دسترسی به مناظر سرسبز، فضاهای گسترده و باز و طبیعت جهت بازی و تفریح همراه با حمل‌ونقلی ایمن، مقرون‌به‌صرفه و قابل‌دسترس؛
* اتخاذ تدابیر برای عبور و مرور در جاده و خیابان شامل محدودیت سرعت، میزان آلودگی، گذرگاه مدارس، چراغ راهنمایی، و اتخاذ تدابیر برای آرام سازیِ جریان ترافیک جهت تضمین حقوق کودکان به بازیِ ایمن در اجتماعاتشان؛
* ایجاد باشگاه‌ها، تسهیلات ورزشی، سرگرمی‌ها و فعالیت‌های سازمان‌یافته هم برای دخترها و هم برای پسرها در همه سنین از همه اجتماعات؛
* فعالیت‌های فرهنگیِ مقرون‌به‌صرفه و اختصاصی برای کودکان از همه سنین و از همه اجتماعات مانند تئاتر، رقص، موزیک، نمایشگاه‌های هنری، کتابخانه‌ها و سینما. ایجاد خدمات مزبور باید فرصت‌هایی را دربرگیرنده که در آن‌ها، کودکان می‌توانند اَشکال فرهنگیِ خودشان را خلق و ایجاد کنند و همچنین در معرض فعالیت‌هایی قرار بگیرند که توسط بزرگ‌سالان و برای کودکان ایجاد شده‌اند؛
* بررسیِ همه مؤسسات، برنامه‌ها و سیاست‌های فرهنگی جهت تضمین اینکه همه کودکان به آن‌ها دسترسی و با آن‌ها تناسب و ارتباط دارند و تضمین اینکه آن‌ها نیازها و آرمانه‌ای کودکان را لحاظ می‌کنند و از رویکردهای فرهنگیِ در حال ظهورِ کودکان حمایت می‌کنند؛

(ذ) **مدارس**: محیط‌های آموزشی باید در تحقق تعهدات تحت ماده ۳۱، نقشی مهم و عمده ایفا کنند، ازجمله:

**۱. محیط فیزیکیِ ترتیبات**: هدف دولت‌های عضو باید تضمین برخی امور باشد مانند: ایجاد فضاهای سرپوشیده و سر-باز به تعداد کافی برای تسهیل بازی، ورزش، سرگرمی و درام در طیِ یا حولِ ساعات مدرسه؛ ترویج فعالانة فرصت‌های برابر برای بازیِ دخترها و پسرها؛ امکانات کافی برای تخلیه بهداشتیِ فاضلاب هم برای دخترها و هم برای پسرها؛ زمین‌های بازی، تجهیزات و محوطه‌های طبیعیِ ایمن برای بازی که به‌طور منظم و مناسب بازبینی بررسی می‌شوند؛ زمین‌های بازی با مرزبندی‌های مناسب؛ تجهیزات و مکان‌هایی که برای میسر کردن مشارکت برابرِ همه کودکان ازجمله کودکان دارای معلولیت طراحی‌شده‌اند؛ زمین‌های بازی که فرصت انجام همه اَشکال بازی را فراهم می‌سازند؛ موقعیت‌یابی و طراحیِ زمین‌های بازی توأم با حفاظت مکفی و مشارکت کودکان در طراحی و توسعه؛

**۲. ساختار روز**: تقاضاهای الزامی و قانونی مانند تکالیف خانه، باید برقراریِ زمان مناسب در طیِ روز را تضمین کنند تا اطمینان حاصل شود که کودکان، مطابق با سن و نیازهایشان برای پیشرفت، از فرصت کافی برای استراحت و بازی برخوردار هستند؛

**۳. برنامه درسی مدارس**: زمان و تخصص مناسب مطابق با تعهدات ماده ۲۹ در خصوص اهداف تحصیلی، باید در برنامه درسیِ کودکان وجود داشته باشد تا آن‌ها فعالیت‌های فرهنگی و هنری مانند موزیک، درام، ادبیات، شعر، هنر، ورزش و سرگرمی را یاد گرفته، در فعالیت‌های مزبور شرکت کرده و آن‌ها را ایجاد کنند؛[[18]](#footnote-18)

**۴. علوم آموزشی**: محیط‌های یادگیری باید فعال و مشارکتی باشند و فعالیت‌ها و اَشکال بازی گونه‌ای از مشارکت را، به‌ویژه در سال‌های ابتدایی، به‌کارگیرند؛

(ر) **آموزش و ظرفیت‌سازی**: همه متخصصانی که با/ یا برای کودکان کار می‌کنند یا کسانی که کارشان بر کودکان تأثیر می‌گذارد (مقامات حکومتی، آموزش‌دهندگان، متخصصان بهداشت، مددکاران اجتماعی، مددکاران مراقبت‌کننده و مراقبان سال‌های اولیه کودکی، برنامه‌ریزها و معمارها و غیره) باید از آموزش‌های قاعده‌مند و مستمر درباره حقوق بشر کودکان، ازجمله حقوق مندرج در ماده ۳۱، برخوردار شوند. آموزش‌های مزبور باید شامل دستورالعمل‌هایی درباره چگونگی ایجاد و حفظ محیط‌هایی باشند که در آن‌ها، حقوق مندرج در ماده ۳۱ به مؤثرترین شکل ممکن توسط کودکان تحقق می‌یابند.

**۵۹. همکاری‌های بین‌المللی**: کمیته برقراری همکاری‌های بین‌المللی را جهت تحقق حقوق مندرج در ماده ۳۱ تشویق می‌کند و برای حصول این امر، مشارکت فعالانه در نهادهای سازمان ملل مانند یونیسف، یونسکو، کمیساریای عالی سازمان ملل متحد برای پناهندگان، برنامه اسکان بشرِ سازمان ملل، دفتر سازمان ملل درباره ورزش برای توسعه و صلح، برنامه عمران ملل متحد، برنامه محیط‌زیست سازمان ملل متحد، سازمان جهانی بهداشت و همچنین سازمان‌های غیرانتفاعیِ بین‌المللی، ملی و محلی را توصیه می‌کند.

**نهم. توزیع**

۶۰. کمیته توصیه می‌کند که دولت‌های عضو، اظهارنظر عمومی حاضر را به‌طور گسترده در میان کل ساختارها و بخش‌های حکومت و اداری، والدین، سایر مراقب‌ها، کودکان، سازمان‌های حرفه‌ای، اجتماعات و جامعه مدنی نشر دهند. همه کانال‌های انتشار باید بکار گرفته شوند ازجمله رسانه‌های چاپی، اینترنت و روش‌های ارتباطیِ خاصِ خود کودکان. این امر موجب الزامِ ترجمه به زبان‌های مناسب و مرتبط می‌شود مانند زبان اشاره، بریل و قالب‌های آسان-خوان برای کودکان دارای معلولیت و همچنین تهیه نسخه‌های مناسب با فرهنگ و دوستدار کودک را ملزم و اجتناب ناپذیر می‌کند.

۶۱. دولت‌های عضو تشویق می‌شوند که گزارشی کامل از تدابیر و اقدامات اتخاذشده در راستای تشویق به اجرای ماده ۳۱ برای همه کودکان را، به کمیته حقوق کودک ارائه دهند.[[19]](#footnote-19)

1. یونسکو، آموزش و پرورش برای قرن بیست و یکم: مسائل و چشم انداز (پاریس، ۱۹۹۸). [↑](#footnote-ref-1)
2. کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، اظهار نظر عمومی شماره ۲۱ (۲۰۰۹) در مورد حق همه برای شرکت در زندگی فرهنگی، پاراگراف ۱۳ [↑](#footnote-ref-2)
3. یونسکو، "اعلامیه مکزیکو سیتی در مورد سیاست های فرهنگی"، کنفرانس جهانی سیاست های فرهنگی، مکزیکو سیتی، ۲۶ ژوئیه - ۶ اوت ۱۹۸۲. [↑](#footnote-ref-3)
4. اظهار نظر عمومی شماره ۱۲ (۲۰۰۹) در مورد حق شنیده شدن کودک را ببینید. [↑](#footnote-ref-4)
5. مواد ۷، ۹ و ۳۰ کنوانسیون افراد دارای معلولیت را ببینید. [↑](#footnote-ref-5)
6. مارتا سنتوس، «کنوانسیون حقوق کودک»، در جزوه گزارش دهی حقوق بشر دفتر کمیسیار عالی حقوق بشر (ژنو، ۱۹۹۷)، صفحات ۳۹۳ تا ۵۰۵ [↑](#footnote-ref-6)
7. یونیسف، امنیت آن لاین کودکان: استراتژی ها و چالش های جهانی: گزارش تکنیکی (فلورانس، مرکز تحقیق اینوسنتی، ۲۰۱۲). [↑](#footnote-ref-7)
8. یونیسف، منشور بین المللی آموزش فیزیکی و ورزش، ۱۹۷۸. [↑](#footnote-ref-8)
9. اظهار نظر عمومی شماره ۹ (۲۰۰۶) در مورد حقوق کودکان دارای معلولیت. [↑](#footnote-ref-9)
10. اعلامیه سازمان ملل در مورد حقوق مردم بومی (قطعنامه ۲۹۵/۶۱ مجمع عمومی، ضمیمه). [↑](#footnote-ref-10)
11. اظهار نظر عمومی شماره ۳ (۱۹۹۰) کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در خصوص ماهیت تعهد دولت های عضو، پاراگراف ۱۱. [↑](#footnote-ref-11)
12. کنوانسیون های ILO شماره ۷۹ - کار شبانه افراد جوان (شغل غیر صنعتی)؛ شماره ۹۰ - کار شبانه افراد جوان (صنعت)؛ شماره ۱۳۸ - کنوانسیون حداقل سن؛ شماره ۱۸۲ - کنوانسیون بدترین فرم های کار کودک. [↑](#footnote-ref-12)
13. اظهار نظر عمومی شماره ۱۳ (۲۰۱۱) در مورد حق کودک برای رهایی از هر نوع خشونت. [↑](#footnote-ref-13)
14. پروتکل مربوط به مهمات انفجاری باقی مانده از جنگ (پروتکل ۵ به کنوانسیون سلاح های متعارف خاص). [↑](#footnote-ref-14)
15. اظهار نظر عمومی شماره ۲ (۲۰۰۲) درباره نقش مؤسسات مستقل ملی در زمینه حقوق بشر در ارتقاء و حمایت از حقوق کودک. [↑](#footnote-ref-15)
16. اظهار نظر عمومی شماره ۱۲ (۲۰۰۹) در مورد حق کودک به شنیده شدن. [↑](#footnote-ref-16)
17. اصطلاح «طراحی جهانی» به وسیله رونالد مسی برای توصیف مفهوم طراحی همه محصولات و ساخت محیط زیست به زیبایی و قابل استفاده به حداکثر ممکن توسط همه افراد، بدون در نظر گرفتن سن، توانایی و وضعیت آنها در زندگی ابداع شد؛ همچنین پاراگراف ۱ (اف) ماده ۴ کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت را ببینید. [↑](#footnote-ref-17)
18. اظهار نظر عمومی شماره ۱ (۲۰۰۱) در مورد اهداف آموزش. [↑](#footnote-ref-18)
19. لطفا متن اصلی را از [اینجا](https://tbinternet.ohchr.org/_layouts/15/treatybodyexternal/Download.aspx?symbolno=CRC%2fC%2fGC%2f17&Lang=en) نگاه کنید. [↑](#footnote-ref-19)